

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی

زهره فرضی‌زاده* محمود متوسلی** مهدی طالب***

تاریخ دریافت: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۲

تاریخ پذیرش: ۱ مهر ۱۳۹۲

چکیده

با وجود پیشبرد فرایند توسعه، هنوز فقر قابلیت‌گسترده‌ای را مشاهده می‌کنیم که دلیل آن، عدم تحقق توانمندی در جامعه است. در پژوهش حاضر، درک بومی از توانمندی اجتماعی و اقتصادی، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع با روش کیفی بررسی شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش، دختران و زنان روستای چک‌وچه‌پشت از توابع شهرستان رضوانشهر در استان گیلان هستند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از فنون مصاحبه، بحث گروهی متمرکز، مشاهده مشارکتی و مستقیم و برای تحلیل اطلاعات، از دو روش تحلیل محتوای کیفی و نظریه بنیانی استفاده شده است. از دید افراد بومی، مهم‌ترین مؤلفه توانمندی اجتماعی زنان، ازدواج و مهم‌ترین مؤلفه توانمندی اقتصادی، کار است. برخی از عوامل مؤثر در رشد توانمندی عبارت است از: زندگی چند خویشاوند در کنار هم؛ خانواده‌گرایی؛ سرمایه اجتماعی؛ همیاری؛ همبستگی اجتماعی؛ حمایت از یکدیگر؛ دسترسی به برخی امکانات؛ انگیزه برای سخت‌کوشی. بی‌سوادی یا کم‌سوادی؛ ازدواج زودهنگام؛ مجرد دختران؛ ازدواج ناموفق؛ زندگی در خانواده گسترده؛ حرف مردم؛ ضعف مالی؛ نگرش درباره مکان کار؛ نبود امکانات بازاریابی؛ ضعف سرمایه اطلاعاتی؛ وضعیت نامساعد حامی؛ تبعیض؛ و تداوم هنجارهای غیررسمی محدودکننده، به ضعف توانمندی اجتماعی و اقتصادی دختران و زنان روستایی می‌انجامد. نادیده گرفتن مسأله؛ عدم تلاش برای تغییر به دلیل مواجهه با برخورد و اعتراض سایرین؛ تبعیت از رویه پیشینیان؛ پذیرش وضعیت فعلی؛ و تلاش ناکافی برای تقویت توانمندی، از راهبردهای غالب در چنین وضعیتی است. هر یک از راهبردهای مذکور، پیامدهایی دارد که عبارت است از: ضایع شدن حق؛ از دست دادن فرصت‌ها؛ عدم توان چانه‌زنی؛ بیکاری؛ در معرض سوءاستفاده دیگران بودن؛ در معرض خشونت کلامی و فیزیکی بودن؛ فریب؛ شرم؛ تمسخر، تحقیر و اهانت دیگران؛ لطمه به عزت نفس؛ ضعف اعتماد به نفس؛ فقر درآمدی و قابلیت؛ افسردگی؛ رنج؛ بیماری؛ نبود آرامش؛ سرزنش خود و دیگران؛ احساس مغبون شدن؛ تداوم هنجارهای غیررسمی محدودکننده؛ و مواجهه افراد پیشرو با مقاومت سایرین. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، تأثیر ساختار فرصت به ویژه نهادهای غیررسمی بر توانمندی بسیار تعیین‌کننده است. هنوز موانع بسیاری برای رشد توانمندی دختران و زنان روستایی وجود دارد که ریشه همه موانع مذکور، ضعف دانش و آگاهی (در سطح خرد و کلان جامعه) است.

کلیدواژه‌ها: فقر قابلیت، توانمندی اجتماعی، توانمندی اقتصادی، ازدواج، کار.

* دکتری جامعه‌شناسی توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). zahra_farzade@yahoo.com

** استاد اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. motavaselim@yahoo.com

** استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. mehdi.taleb1945@gmail.com

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان "بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی" که با راهنمایی آقای دکتر مهدی طالب، آقای دکتر محمود متوسلی و مشاوره آقای دکتر حسین میرزایی و آقای دکتر حسین ایمانی جاجرمی انجام شده است.

مقدمه و بیان مسأله

افزایش قابلیت‌های بشر و بسط انتخاب‌های مردم، هدف توسعه است (درز و سن^۱، ۲۰۰۲، سن، ۱۹۹۹، برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۵ به نقل از کار^۲، ۲۰۱۰: ۱۰۳). توانمندی افراد، نه تنها از ارزش ذاتی برخوردار است، بلکه ارزش ابزاری نیز دارد (نارایان^۳، ۲۰۰۲: ۱۴) و در بهبود پیامدهای توسعه‌ای مؤثر است (آلسوپ، برتلسن و هالند^۴، ۲۰۰۶: ۲۲). در واقع، رشد توانمندی افراد، محرک توسعه است (استرن، دتیر و راجرز^۵، ۲۰۰۵).

با وجود پیشبرد فرایند توسعه، هنوز فقر قابلیت‌گسترده‌ای وجود دارد و همواره افراد بسیاری را در پیرامون می‌بینیم که در حال دست‌فروشی، تکدی‌گری و غیره هستند. زنانی که در مترو در حال فروش اجناس هستند. کودکان کوچکی که به جای بازی یا تحصیل در مدرسه، در گوشه‌ای از خیابان، مشغول فروش کالا یا عرضه برخی خدمات هستند. موارد فوق، تصویری از فقر در خیابان‌های شهر است که برای همگان مشاهده‌پذیر است. جلوه‌های دیگری از فقر در حوزه‌های دیگر - روستا یا شهر - وجود دارد که چندان مشهود نیست و با بررسی‌های بیشتر، می‌توان به کنکاش دقیق‌تر درباره آن‌ها پرداخت. اشخاصی که با حقوق اولیه انسانی آشنا نیستند. دخترانی که به دلیل وجود تبعیض جنسیتی در خانواده یا برخی باورهای فرهنگی، دچار سوءتغذیه هستند؛ دختران روستایی که اجازه تحصیل در مدرسه یا دانشگاه را ندارند یا در سنین بسیار کم ازدواج کنند؛ زنان سرپرست خانواری که به دلیل وجود برخی باورهای فرهنگی یا فقدان مهارت، ضعف دانش، عدم دسترسی به اطلاعات، عدم دستیابی به سرمایه کافی برای راه‌اندازی کسب و کار خرد، یا فقدان اعتماد به نفس کافی، با مشکلات فراوانی در تأمین حداقل نیازهای اساسی خود و فرزندان‌شان مواجه هستند و همواره احساس ناامنی می‌کنند. افراد تحصیل‌کرده و متبحری که به دلیل فقدان وضعیت مناسب در جامعه به لحاظ وجود فرصت‌های شغلی، به کاری غیر از تخصص خویش اشتغال دارند یا بیکار هستند. افرادی که از اعتماد به نفس و خودباوری کافی برخوردار نیستند و طوری پرورش یافته‌اند که باور دارند نمی‌توانند به انجام امور خاصی بپردازند که سایر مردم قادر به انجام آن هستند. در نتیجه در برخی جنبه‌ها، مانند ادامه تحصیل یا یادگیری برخی مهارت‌ها سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و از پذیرش برخی فرصت‌ها خودداری می‌کنند. چنین وضعیتی، آن‌ها را به انتخاب‌هایی سوق می‌دهد که ضعف توانمندی و فقر را در آن‌ها پایدار می‌کند. موارد فوق، همگی جلوه‌هایی از فقر قابلیت‌

1 Dreeze & Sen

2 Kaur

3 Narayan

4 Alsop, Bertelsen & Holiand

5 Stern, Dethier & Rogers

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

است. فقط انسان‌های فقیر (به لحاظ درآمدی) نیستند که ممکن است در برخی جنبه‌های توانمندی ضعیف باشند. بلکه گاهی انسان‌های ثروتمند (به لحاظ درآمدی) نیز در این حوزه دچار محدودیت‌هایی هستند. انسان ثروتمندی که فاقد اعتماد به نفس و خودباوری کافی است؛ به دلیل وجود برخی تبعیض‌های جنسیتی در خانواده و جامعه، از ادامه تحصیل محروم است، به دلیل وجود برخی باورهای فرهنگی، فقدان اطلاعات کافی یا وضعیت نامساعد جامعه، از سرمایه‌گذاری در فرصت‌های سودآور خودداری می‌کند، دچار فقر قابلیت است. هر انسانی - روستایی یا شهری - برای رشد توانمندی‌اش، در طول زندگی با موانع و محدودیت‌هایی روبرو است. نوع موانع و شدت و ضعف آنها در نواحی مختلف، با یکدیگر تفاوت دارد. بدیهی است که اغلب روستاییان در مقایسه با افراد شهری، با موانع بیشتری برای رشد توانمندی‌شان مواجه‌اند.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چه موانعی در فرایند رشد توانمندی اجتماعی و اقتصادی دختران و زنان روستایی وجود دارد. در بررسی حاضر، ابتدا به معنای توانمندی و عوامل مؤثر بر رشد توانمندی اجتماعی و اقتصادی از دید مردم محلی پی برده شد^۱. سپس بر اساس یافته‌های فوق، شاخص‌های بومی تدوین شد و با شاخص‌های مورد توجه پژوهشگران خارجی تلفیق گردید. در مرحله دوم، پرسش‌هایی ویژه بر اساس شاخص‌های مذکور تدوین شد و علاوه بر وضعیت کنونی افراد به لحاظ توانمندی، موانع رشد توانمندی اجتماعی و اقتصادی آنها نیز به طور خاص بررسی گردید. در ضمن، به عنوان یکی دیگر از اهداف فرعی پژوهش، سازوکار دو طرح اجرا شده (صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی و طرح مراکز یادگیری محلی) برای رشد توانمندی افراد در جامعه مذکور و قوت‌ها و ضعف‌های آنها بررسی شده است.

پیشینه موضوع

پژوهش‌های بسیاری در سایر کشورهای دنیا درباره توانمندی و توانمندسازی انجام شده است. موضوعات مورد بررسی در پژوهش‌های فوق، *توانمندی و توانمندسازی در سازمان‌ها* (گندز و برد، ۱۹۹۶؛ آیوز، ۱۹۹۵؛ اسپریتزر، ۱۹۹۵؛ سبیرت، سیلور و رندولف، ۲۰۰۴؛ انیشی، یوگوا و اگبن، ۲۰۱۲؛ اسپریتزر، کیزیلوس و نیسون، ۱۹۹۷؛ علی، یور رحمان، حق، احمد جام، غفور و عظیم، ۲۰۱۰)، *موانع توانمندی* (کار، ۲۰۱۰؛ ۲۰۱۱؛ ناز و یور رحمان، ۲۰۱۱؛ ۵۱-۷۰؛ مالیک و کورتنی، ۲۰۱۱؛ ۳۹؛ السون، ۱۹۹۹؛ کبیر، ۲۰۱۱؛ ادنیجی - نیل، ۲۰۱۱) *عوامل مؤثر بر رشد توانمندی* (کراکر، ۱۹۹۵ به نقل از آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶)، *سنجش میزان توانمندی* (آلبرتیان، ۲۰۰۱؛ بارتل، ۲۰۰۳؛ براون، ۲۰۰۵؛ گروتارت، ۲۰۰۵؛ وینفرم، ۲۰۰۱ & A

۱. بررسی درک بومی از توانمندی، به این دلیل ضرورت دارد که اطلاعات کافی را درباره نیازهای مردم محلی و موضوعات مورد توجه آنها در این حوزه فراهم می‌کند.

توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

۲۰۰۱ B؛ لاکشین و راوالیون، ۲۰۰۵؛ ام سی میلان و همکاران، ۱۹۹۵؛ ملنا و هینریچ، ۲۰۰۵؛ مالهاترا، شولر و باندر، ۲۰۰۲؛ مسون و اسمت، ۲۰۰۳؛ موسر، ۲۰۰۵؛ اسپریتزر، ۱۹۹۵؛ دفتر برنامه عمران ملل متحد، ۱۹۹۵^۱ و چارمز و ویرینگا (۲۰۰۳)، تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر رشد توانمندی زنان (مهرا، ۱۹۹۷؛ اسپراندیو، ۲۰۱۱؛ نیکا، رذان و ابوسما، ۲۰۱۲)، سنجش رابطه توانمندسازی با پدیده‌های دیگر (الالی، ۲۰۱۰؛ اولامو، ۲۰۱۲؛ کول، ۲۰۰۶؛ شیونز، ۱۹۹۹؛ ام سی کالمن، ام سی اوان، تسی، بلکمور، بینبرج، ۲۰۱۰؛ بابو و گیلیام، ۱۹۹۰؛ مالیک و کورتی، ۲۰۱۱؛ افریدی، ۲۰۱۰؛ اسکولر و راتاج، ۲۰۱۰)، تأثیر برنامه‌های اعتبار خرد یا تأمین مالی خرد بر توانمندی (هولوت، ۲۰۰۵؛ مایاکس، ۲۰۰۱؛ دی و سارکر، ۲۰۱۱؛ راجوریا، ۲۰۰۸؛ کیم و همکاران، ۲۰۰۷؛ رچی، ۲۰۰۹؛ کلت، ۲۰۰۹؛ کبیر، ۱۹۹۸ به نقل از آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶؛ گوتر و گوپتا، ۱۹۹۶ به نقل از آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶؛ اسلانجی، اکس و یودین، ۲۰۱۰؛ هاشمی و همکاران، ۱۹۹۶؛ مالیک، پرویز و کیفیات، ۲۰۱۱؛ چودهاری و چودهاری، ۲۰۱۱؛ سانیا، ۲۰۰۶؛ ال-کومی، ۲۰۱۰؛ هلند و ونگ، ۲۰۱۱؛ مالدونادو و گونزالز، ۲۰۰۸؛ هیدالگو-کلاری، آلتامیرانو-کاردناس، زاپاتا-مارتلو و مارتینز-کورونا، ۲۰۰۵؛ خاندکر، ۲۰۰۵؛ ماسلی، ۲۰۰۱؛ کاسی، ۲۰۰۸؛ لینگ، شینکای، هوتا و نانسی، ۲۰۱۰) بوده است.^۲

موضوعات مورد بررسی در برخی از پژوهش‌های پیشین در ایران نیز سنجش میزان توانمندی (باقری خلیلی، ۱۳۸۴)، طراحی الگویی برای توانمندسازی (رحیمیان، ۱۳۸۶؛ اسکندری، ۱۳۸۱؛ ده‌بزرگیان، ۱۳۹۰؛ گودرزی، ۱۳۸۸؛ انصاری، رحمانی یوشانلوئی، اسکویی و حسینی، ۱۳۹۰؛ جهانیان، ۱۳۸۷)، تأثیر اجرای طرح‌های اعتبار خرد یا تأمین مالی خرد بر توانمندسازی (سعدی و عرب مازار، ۱۳۸۵؛ ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۵؛ کمره‌ای، ۱۳۸۹؛ طالب و نجفی‌اصل، ۱۳۸۶؛ رضایی گیوشاد، ۱۳۸۷؛ معظمی، رحیمی، طائفه حیدری، ۱۳۸۵؛ رشیدی و منصور، ۱۳۸۵؛ جلالی موسوی، ۱۳۸۶؛ خداوردی‌لو و بریمانی، ۱۳۸۸؛ جعفری مهتاش، ۱۳۸۵)، توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی (بهمنی آزاد، ۱۳۸۹؛ توانگر، ۱۳۹۰؛ زیاری، ۱۳۹۰؛ نیازی، ۱۳۸۷؛ اسدزاده، ۱۳۸۶)، سنجش رابطه توانمندی یا توانمندسازی با پدیده‌های دیگر (میرزایی، غفاری و کریمی، ۱۳۸۹؛

۱ همه منابع مذکور در این پراپتر در اثر آلسوپ و همکاران (۲۰۰۶) بیان شده است.

2 Gandz & Bird; Ives; Spreitzer; Seibert, Silver & Randolph; Onyishi, Ugwu & Ogbonne; Kizilos & Nason; Ali, Ur- Rehman, Haq, Jam, Ghafoor & Azeem; Naz; Malika & Courtney; Elson; Kabeer; Adeniji-Neill; Kroeker; Albertyn; Bartle; Brown; Grootaert; Kvinnoforum; Lokshin & Ravallion; McMillan; Malena and Heinrich; Malhotra, Schuler, & Boender; Mason & Smith; Moser; Charnes & Wieringa; Mehra; Sperandio; Nikkhah, Redzuan, Abu-Samah; Olaleye; Oluyemo; Cole; Scheyvens; McCalman, McEwan, Tsey, Blackmore, Bainbridge; Bobo & Gilliam; Afridi; Schuler & Rottach; Holvoet; Mayoux; De & Sarker; Rajouria; Kim; Reji; Kellett; Goetz & Gupta; Aslanbeigui, Oakes & Uddin; Hashemi; Malik, Pervez & Kifayat; Chowdhury; Sanyal; El-Komi; Holland & Wang; Maldonado & Gonzalez-Vega; Hidalgo-Celarie, Altamirano-Cardenas, Zapata-Martelo & Martinez-Corona; Hidalgo-Celarie, Altamirano-Cardenas, Zapata-Martelo & Martinez-Corona; Khandker; Mosley; Kouassi; Lhing, Shinkai, Hotta & Nanseki.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

حسینی، ۱۳۸۵؛ صحراییان، صلحی، حقانی، ۱۳۹۰؛ آیت و اعظمیان، ۱۳۹۰؛ عنابستانی، شایان، خسروبیگی و تقلیو، ۱۳۹۰؛ سالاروندیان، ۱۳۸۸؛ مزیدآبادی فراهانی، ۱۳۸۳؛ روحانی، ۱۳۹۰؛ حاجی محمدخان زنجانی، ۱۳۹۱؛ میرزاوند، ۱۳۸۸؛ نظیف‌کار، ۱۳۸۹؛ زارعی متین، محمدی الیاسی، صنعتی، ۱۳۸۶؛ لایقی، ۱۳۹۰) بوده است.

در پژوهش‌های خارجی و داخلی فوق، فرایند پژوهش حاضر طی نشده است. به طوری که در هیچ یک، بررسی فهم بومی از توانمندی در جامعه و بومی‌سازی شاخص‌های توانمندی مورد توجه نبوده است. در بررسی‌های خارجی مربوط به بررسی وضعیت زنان روستایی به لحاظ توانمندی، عمدتاً از روش کمی و برخی شاخص‌های معدود و از قبل تعیین شده استفاده گردیده، در حالی که در پژوهش حاضر، روش کیفی و تلفیقی از شاخص‌های مورد توجه پژوهشگران خارجی و شاخص‌های بومی مورد استفاده قرار گرفته است. تفاوت مهم بررسی حاضر، با سایر پژوهش‌های داخلی این است که در بررسی موانع مذکور، عمده مؤلفه‌های توانمندی اجتماعی و اقتصادی در چارچوب تحلیلی عاملیت و ساختار فرصت - به جای تأکید بر یک یا چند مؤلفه - بررسی شده است. در اکثر پژوهش‌های پیشین داخلی (محمدقلی‌نیا، هادی و فرجی، ۱۳۸۵؛ سجادی، ۱۳۸۵؛ معظمی و همکاران، ۱۳۸۵؛ سعدی و عرب مازار، ۱۳۸۵؛ رشیدی و منصوری، ۱۳۸۵؛ ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۵) عمدتاً توجه به برخورداری افراد از اعتبار برای رشد توانمندی و فقدان توجه به سایر مؤلفه‌های توانمندی، از جمله سرمایه روانشناختی، انسانی، اجتماعی، اطلاعاتی، سازمانی و ساختار فرصت (نهادهای رسمی و غیررسمی) ملاحظه گردید. در ضمن، مهمترین مؤلفه توانمندی اجتماعی و اقتصادی از دید افراد بومی شناسایی گردید و موانع تحقق آن در جامعه، مورد بررسی قرار گرفت که نمونه مشابه چنین کاری در هیچ پژوهش خارجی و داخلی یافت نگردید.

بانک گرامین، سکم، براک، کمیته مشارکت دموکراتیک در بهره‌گیری از فناوری اطلاعات؛ طرح توسعه ککاماتان؛ صندوق فعالیت اجتماعی مالووی؛ صندوق سرمایه‌گذاری اجتماعی زامبیا؛ صندوق توسعه اجتماعی رومانی؛ طرح توسعه مناطق کوهستانی شمال غربی تونس؛ گروه مشاوره برای کمک به فقیرترین‌ها؛ کسب و کارهای خرد بانک کوزوو؛ بانک راکیات؛ بانکداری جهانی زنان، میرادا، ساماکیا، آکسیون؛ شعب پرودم در بولیوی؛ آدمی در جمهوری دومینیکن؛ انجمن زنان شاغل در هند؛ یاوا؛ طرح تجهیز پس‌انداز خانه به خانه، طرح وابستگی وام به پس‌انداز، روش بانک‌های سیار، بنیاد گسترش پس‌انداز در زامبیا، انجمن زنان خوداشتغال در هند (سوا)؛ انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار گردشی در مصر؛ نهاد خدمات اعانات کاتولیک، سازمان رهایی از

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir



گرسنگی؛ و پروموجر^۱ برخی از تجارب سایر کشورهای دنیا در حوزه توانمندسازی است. در ایران نیز نهادها و سازمان‌های رسمی، غیررسمی و بین‌المللی متعددی در حوزه توانمندسازی فعالیت می‌کنند. حوزه فعالیت برخی سازمان‌های مذکور، صرفاً پرداخت وام است و همان را معادل توانمندسازی در نظر می‌گیرند. حوزه فعالیت برخی از آنها نیز تا حدودی فراتر از پرداخت وام است و آموزش برخی مهارت‌ها را نیز شامل می‌شود. سازوکارهای غیررسمی پس‌انداز؛ سازوکارهای غیررسمی تأمین اعتبار؛ سنت قرض‌الحسنه؛ صندوق قرض‌الحسنه خانوادگی (انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار گردشی)؛ صندوق قرض‌الحسنه (شبه‌رسمی)؛ وام قرض‌الحسنه توسط نظام بانکی رسمی و سازمان‌هایی نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره)؛ صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی؛ صندوق‌های قرض‌الحسنه در حوزه عمل شرکت تعاونی روستایی شباهنگ؛ بانک قرض‌الحسنه؛ سازمان اقتصاد اسلامی؛ کمیته امداد امام خمینی (ره)؛ بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی؛ تعاونی اعتبار ایران؛ مؤسسات خیریه غیردولتی؛ گروه‌های مالی خودیار؛ صندوق روستایی؛ صندوق‌های تعاون روستایی؛ شرکت‌های تعاونی روستایی؛ شرکت‌های تعاونی زنان روستایی؛ سازمان مرکزی تعاون روستایی؛ صندوق تعاون کشور؛ بانک توسعه تعاون؛ صندوق مهر امام رضا (ع)؛ سازمان فنی و حرفه‌ای (دفتر امور آموزش روستایی و بخش ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی)؛ بانک کشاورزی (طرح زینب کبری (س))، طرح ایران، طرح اشتغال زندانیان آزاد شده، طرح تسهیلات اشتغال‌زایی، صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی، طرح اشتغال به کار فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی از دانشگاه‌ها، طرح بقاء)؛ سازمان بهزیستی؛ وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی و بانک روستا حصاربن در طرح حبله‌رود)؛ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی؛ وزارت کار و امور اجتماعی؛ دفتر برنامه عمران ملل متحد (طرح کاهش فقر از طریق بسیج اجتماعی و اعطای اعتبارات خرد (صندوق توسعه پایدار و خانواده) در منطقه شیرآباد در زاهدان و روستای دهان در استان سیستان و بلوچستان، طرح ترسیب کربن مدل مشارکتی در احیای مراتع با اهداف منطقه‌ای و جهانی در دشت حسین‌آباد غیناب سریشه واقع در خراسان جنوبی، و طرح ایجاد معیشت پایدار از طریق صندوق اعتبارات خرد بم)؛ صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی - ایفاد (طرح صندوق حمایت از جوانان و زنان و طرح پشتیبانی تأمین خدمات مالی خرد روستایی)؛ برنامه شرکت شل انگلستان (برنامه اندیشه و اعتبار

1 Gramin Bank; Sekem; Bangldesh Rural Advancement Committee (BRAC); Committee for Democracy in Information Technology (CDI); Kecamatan Development Project (KDP); Malawi Social Action Fund (MSAF); Zambia Social Investment Fund (ZAMSIF); Romania Social Development Fund (RSDF); Tunisia Northwest Mountainous Areas Development Project; Consultative Group to Assist the Poorest; Micro Enterprise Bank-Kosovo (MEB-Kosovo); Rakyat; Women World Banking (WWB); MYRADA; SAMAKYA; ACCION; PRODEM; ADEMI; Working Women Forum (WWF); Youth for Unity and Voluntary Action (YUVA); Self-Employed Women,s Association (SEWA); Catholic Relief Services; Freedom Form Hunger; Pro Mujer.

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

در ایران؛ سازمان بین‌المللی آکندن (طرح خوداتکایی زنان افغانی ساکن ایران؛ طرح مرکز حرفه آموزی شهید بابیه مزاری؛ طرح مرکز خیاطی اردوگاه تربیت جام؛ طرح وام اردوگاه نیاتک) از سازمان‌های مذکور است. برخی سازمان‌ها، فعالیت‌های فراوانی را برای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر انجام می‌دهند. تأکید بر جنبه‌های محدودی از توانمندسازی مانند تأمین اعتبار و اشتغال؛ غالب بودن نگرش اقتصادی؛ کافی دانستن پرداخت وام به مردم که به وابستگی بیشتر آنها به دولت و رشد انتظارات از دولت می‌انجامد؛ پررنگ بودن نقش دولت و اتکاء بر منابع آن؛ غالب بودن رویکرد حمایتی تا نگرش توانمندساز؛ فقدان نگرش بلندمدت و آینده‌نگر؛ اجرای برنامه‌هایی با بازدهی کوتاه‌مدت؛ عدم توجه به نیازهای متنوع افراد به منظور رشد توانمندی آنها؛ عدم بکارگیری ابتکارات منحصربه‌فرد در سایر تجارب دنیا؛ عدم تهیه گزارش‌های جامع در این حوزه؛ عدم ارزیابی پیامدها و نتایج به منظور اصلاح و تعدیل برنامه‌های فوق؛ و انجام فعالیت‌های موازی از طرف سازمان‌های مختلف بدون هماهنگی با هم، از ویژگی‌های فعالیت‌های مذکور است.

چهارچوب تحلیلی

«... توانمندی حوزه وسیعی برای تحلیل است؛ وفاق کلی درباره تعریف آن وجود ندارد...» (چودهاری و چودهاری، ۲۰۱۱: ۸۷) و بیان تعریفی موجز از آن چندان آسان نیست (مالیک و کورتنی، ۲۰۱۱: ۳۰). به اعتقاد بیلی «...اینکه دقیقاً چطور توانمندسازی را در طرح‌ها و برنامه‌هایمان تعریف کنیم، به مردم و بستر خاصی منوط است که برنامه‌ها یا طرح‌ها در آنجا اجرا می‌شود...» (بیلی^۱، ۱۹۹۲: ۷۱-۸۲ به نقل از ناز و یور رحمان، ۲۰۱۱: ۵۷). مهرا نیز معتقد است که تعاریف توانمندی بسیار متفاوت است و توانمندی باید بر اساس شرایط و بافت خاص مورد بررسی قرار گیرد. به اعتقاد وی، تعریف توانمندی باید گسترش‌گزینه‌ها^۲ برای زنان و افزایش توانایی آنها را برای اجرا و اعمال گزینه‌ها شامل شود. برای مثال، بهبود دستیابی زنان به فرصت‌های اقتصادی مانند اعتبار و اشتغال، به گسترش گزینه‌های آنها می‌انجامد، در حالی که، خدمات سلامت و آموزش، قابلیت‌های زنان را برای استفاده از مزیت گزینه‌های مذکور بهبود می‌دهد (مهرا، ۱۹۹۷: ۱۳۸). نارایان معتقد است توانمندی، در وسیع‌ترین معنا، به معنی گسترش آزادی عمل و انتخاب فرد است. وقتی مردم انتخاب واقعی را تمرین می‌کنند^۳، میزان کنترل آنها بر زندگی‌شان افزایش می‌یابد. انتخاب‌های مردم

1 Bailey
2 Choices
3 Exercise

فقیر، بسیار محدود است، هم به دلیل فقدان سرمایه‌ها نزد آن‌ها و هم به دلیل بی‌قدرتی‌شان برای مذاکره^۱ با طیفی از نهادهای رسمی و غیررسمی به منظور ایجاد شرایط بهتر برای خودشان. به اعتقاد نارایان، از آنجایی که بی‌قدرتی، در ذات^۲ روابط نهادی جای دارد، در حوزه^۳ فقرزدایی، تعریفی نهادی از توانمندی مناسب است. وی در نهایت، تعریف زیر را مناسب می‌داند: «توانمندی، گسترش سرمایه‌ها و قابلیت‌های مردم فقیر برای مشارکت در، مذاکره با، تأثیرگذاری^۴، کنترل و حفظ^۵ نهادهای مسئولی^۶ است که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد» (نارایان، ۲۰۰۲: ۱۴).

به اعتقاد آلسوپ و همکاران (۲۰۰۶) پژوهشگران بانک جهانی نیز توانمندی، ظرفیت و توانایی افراد یا گروه‌ها برای انجام انتخاب‌های مؤثر و سپس تغییر و تبدیل انتخاب‌های مذکور به کنش‌ها و نتایج مطلوب است. آنها توانمندی را تحت تأثیر دو مجموعه عوامل مرتبط به هم یعنی عاملیت و ساختار فرصت می‌دانند (آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۰).

با توجه به تعاریف آلسوپ و همکاران و نارایان و تلفیق مفاهیم مورد توجه آنها، در پژوهش حاضر، توانمندی، گسترش آزادی عمل و انتخاب فرد در زندگی دانسته می‌شود که در اثر برخورداری از سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، مالی، مادی، اطلاعاتی، سازمانی، معنوی و وجود نهادهای غیررسمی و رسمی تسهیل‌کننده توسعه تحقق می‌یابد.

چارچوب تحلیلی برای فهم توانمندی، مبتنی بر مباحث مربوط به قدرت در ادبیات جامعه‌شناختی است. از زمان مطرح شدن تبیین هابز درباره قرارداد اجتماعی و روابط بین شهروندان و دولت، بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی دیگر، قدرت را به عنوان مفهومی مورد بررسی و کاوش قرار داده‌اند که فراتر از حوزه^۷ حوزه^۸ دولت بسط می‌یابد و روابط بین افراد یا گروه‌ها را نیز شامل می‌شود (آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶: ۹). در واقع، قدرت، مفهومی کلیدی برای فهم فرایند توانمندسازی است (سادان^۸، ۱۹۹۷: ۳۳).

در چارچوب تحلیلی پژوهش حاضر، به پیروی از پژوهشی که بانک جهانی انجام داده است، توانمندی منوط به رابطه میان عاملیت و ساختار فرصت دانسته می‌شود. این چارچوب تحلیلی، مبتنی بر روابط پویا و

- 1 Negotiate
- 2 Nature
- 3 Context
- 4 Influence
- 5 Hold
- 6 Accountable
- 7 Realm
- 8 Sadan

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb **Director in Charge:** Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

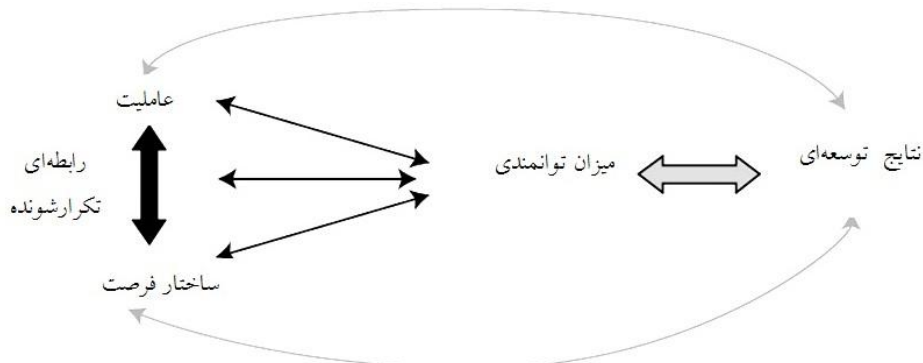
Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 **Website:** www.jrd.ut.ac.ir **Email:** jrd@ut.ac.ir

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

تکرارشونده بین عاملیت و ساختار است و بنیان نظری پنج پژوهش در پنج کشور جهان بوده که بانک جهانی انجام داده است. گرچه چارچوب تحلیلی مذکور، در بنیان تحت تأثیر نظریه جامعه‌شناختی است، اما بینش‌های نظری طیفی از رویکردهای بین‌رشته‌ای نیز به بسط جنبه‌های مختلف رابطه عاملیت و ساختار در رویکرد توانمندی کمک کرده است (آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶: ۹-۱۰ و ۲۹).

شکل (۱): رابطه عاملیت و ساختار فرصت با میزان توانمندی یک فرد یا گروه و رابطه بین توانمندی و نتایج توسعه‌ای



منبع: آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۰

عاملیت، توانایی کنشگر یا گروه برای انتخاب‌های هدفمند تعریف می‌شود، یعنی کنشگر قادر باشد که گزینه‌هایی را در نظر داشته باشد و به نحوی سودمند و هدفمند به انتخاب گزینه‌ها بپردازد. عاملیت شخص یا گروه می‌تواند به میزان بسیاری از طریق برخورداری از سرمایه^۱ پیش‌بینی شود. انواع مختلف سرمایه عبارت است از سرمایه‌های انسانی، روانشناختی، اطلاعاتی، سازمانی، مادی، اجتماعی، مالی. اما عاملیت نمی‌تواند مترادف توانمندسازی در نظر گرفته شود. حتی وقتی مردم ظرفیت و توانایی انتخاب گزینه‌هایی را دارند، ممکن است نتوانند به نحو مؤثری عاملیت را مورد استفاده قرار دهند. زیرا ساختار فرصت آن‌ها، قیدها و محدودیت‌هایی را بر آن‌ها اعمال می‌کند. ساختار فرصت، جنبه‌هایی از بستر و زمینه نهادی تعریف می‌شود که کنشگران در آن عمل می‌کنند و بر توانایی آن‌ها برای تغییر و تبدیل عاملیت به کنش تأثیر می‌گذارد (آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۰-۱۱). در واقع، گروهی از مردم ممکن است از منافع توسعه محروم یا بهره‌مند شوند که این

1 Asset endowment

امر به روابط سیاسی و اقتصادی موجود منوط است که از طریق نهادها و ساختارهای اجتماعی تعیین می‌گردد (بانک جهانی، ۲۰۰۱؛ درز^۱ و سن، ۲۰۰۲ به نقل از کار، ۲۰۱۰: ۱۰۵).

روش پژوهش

در بررسی حاضر، روش کیفی استفاده شده است. به منظور بررسی ادبیات نظری و تجربی و اسناد طرح‌های مختلف توانمندسازی، از مطالعه اسنادی و برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی، از مصاحبه، بحث گروهی متمرکز، مشاهده مشارکتی و مستقیم در طی چهار ماه زندگی مستمر در جامعه مورد بررسی استفاده شده است. در مرحله اول، از روش تحلیل محتوای کیفی و در مرحله دوم، از روش نظریه بنیانی، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

جامعه مورد بررسی، روستای چکوپه‌پشت در محدوده سیاسی دهستان خوشابر در بخش مرکزی شهرستان رضوانشهر است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گیلان، ۱۳۸۷: ۱۸، ۲۹). ابتدا تلاش گردید به دسته‌بندی بومی روستا در خصوص دختران و زنان روستایی پی برده شود تا انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس آن انجام شود. تلاش‌ها به دختران مجرد "کل" و به زنان متأهل "ژنک" می‌گویند. زنان متأهل (ژنک)، نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند که مبنای آن سن است: ژنک (قبل از ۵۰ سالگی)؛ پیرژن (بعد از ۵۰ سالگی). به زنان ازکارافتاده نیز کن‌ژنک گفته می‌شود که در اینجا توان کار کردن (در بخش دامداری و کشاورزی) مورد توجه است. در واقع، ازدواج، سن، و توان کار کردن، سه مبنای مهم تقسیم‌بندی مذکور است. ژنک زنان واقع در سنین ۱۳ تا ۵۰ سالگی را شامل می‌شود. در این پژوهش، ژنک نیز به دو دسته تقسیم گردید: ژنک جوان (۱۳-۳۵ سال) و ژنک میانسال (۳۶-۵۰ سال). در مرحله اول بررسی، به نحوی هدفمند، نظرهای پنج گروه فوق درباره معنای توانمندی و عوامل مؤثر بر رشد آن بررسی گردید. در مرحله دوم نیز حین بررسی وضعیت فعلی آنها به لحاظ توانمندی و موانع رشد آن، تلاش گردید علاوه بر معیار فوق، ویژگی‌های دیگر نیز در انتخاب آنها مورد توجه قرار گیرد. دختران و زنان مورد بررسی در مرحله دوم عبارت بودند از: دختران و زنان سرپرست خانوار (به دلیل مجرد، فوت همسر، زندانی بودن همسر، طلاق، ترک همسر)، دختران مجرد (۳۰ سال و بیشتر)، دانشجویان، زنان مطلقه، دختران و زنان در معرض خشونت کلامی و فیزیکی، زنان جوان در خانواده گسترده، زنان حقوق تضییع شده، زنان کشاورز و دامدار، دختران و زنان شاغل در شغل‌هایی غیر از کشاورزی و دامداری مانند قالی‌بافی، خیاطی، خواربارفروشی، آرایشگری، کیسه‌دوزی و غیره. شناسایی اشخاص مذکور از طریق

1 Dreze

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

اقامت طولانی در میدان، اطلاعات جدول مادر، قدم زدن عرضی با مطلعان کلیدی، گفتگوی غیرمستقیم با سایرین، مثال‌های مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها، و رخدادهای پیش‌بینی‌نشده حاصل شد. در واقع، در این مرحله قبل از مراجعه به دختران و زنان فوق، از قبل درباره آن‌ها اطلاعات مختصری کسب شده بود و نمونه‌گیری از نوع گلوله برفی بود. به طور کلی از ۱۱۵ فرد، در مصاحبه‌های فردی، بحث گروهی متمرکز و حین مشاهده مشارکتی سؤال پرسیده شده است. به طوری که با ۶۳ نفر (در مصاحبه فردی) و با ۵۲ نفر (در بحث گروهی متمرکز) صحبت شده است.^۱ در مجموع، ۲۹ مصاحبه فردی و ۴ بحث گروهی متمرکز در مرحله اول و ۳۴ مصاحبه فردی و ۹ بحث گروهی متمرکز در مرحله دوم برگزار گردید.

یافته‌های پژوهش^۲

درک بومی از توانمندی

در جامعه مورد بررسی، اصطلاحات محلی معادل توانمندی زنان عبارت است از: زرنگ، کاری، زحمتکش در حوزه خانه‌داری، زراعت، دامداری، شوهرداری، بچه‌داری. از دید جامعه، زن توانمند به لحاظ اقتصادی زنی است که کار کند. وی باید در حوزه خانه‌داری، زراعت، دامداری یا شغلی دیگر تبحر داشته باشد و سخت کار کند.

همچنین از بین درس، کار و ازدواج، همگان بر ازدواج دختران تأکید داشتند. از دید جامعه، دختری که در حوزه خانه‌داری، زراعت، دامداری، تحصیل، و حتی اشتغال توانا باشد، موفق به تشکیل خانواده نشده باشد، فردی توانمند محسوب نمی‌گردد. در واقع، زن توانمند به لحاظ اجتماعی، فردی است که ازدواج کرده و خانواده‌ای متعادل داشته باشد. منظور از خانواده متعادل، خانواده‌ای است که دچار برخی مسائل اجتماعی از جمله اجباری بودن ازدواج، اعتیاد همسر، مسائل تعدد زوجات، اعمال خشونت بر همسر، مسائل ناشی از بیکاری همسر، مطلقه بودن زن، اختلاف‌های خانوادگی و غیره نباشد.

۱ البته تعداد افرادی که درباره آن‌ها اطلاعات گردآوری شده است، بیش از ۱۱۵ فرد است، زیرا درباره برخی زنان، از خود آن‌ها پرسش نشده است. بلکه دیگران درباره آن‌ها صحبت کرده‌اند. زنان مذکور، وضعیت و تجارب ویژه‌ای داشتند که به دلیل لزوم حفظ عزت نفس‌شان، از مراجعه مستقیم به آن‌ها و پرسش درباره برخی موضوعات حساس خودداری شد. تعداد فراوانی از زنان نیز در نواحی بیلاقی، بازارهای رضوانشهر و پرس، جاده‌های روستا، خانه بهداشت روستا، مسجد، دو امامزاده غریب‌بنده و سید شرف‌الدین در شهرستان، سه راه بیلاق، مراسم عروسی، مهمانی‌ها، مراسم عزاداری در ماه‌های محرم و صفر، سفره‌های نذری و آرامگاه شیخ بزرگ مورد مشاهده قرار گرفتند که محاسبه تعداد آن‌ها میسر نیست. با برخی زنان مذکور، مصاحبه نیز شده است.
۲ نقل قول‌های مربوط به یافته‌های پژوهش، در رساله بیان شده است.

وقتی شاخص‌های خاص جامعه در فرایند پژوهش شناسایی می‌گردد، می‌توان گفت که به نوعی بومی‌سازی انجام می‌شود. شاخص‌های بومی، برخاسته از ارزش‌های فرهنگی و بومی جامعه‌ای خاص است. برای شناسایی شاخص‌های بومی توانمندی، از آغاز فرایند جمع‌آوری داده‌ها، مقوله‌های به دست آمده، در دسته‌بندی یادشده (عاملیت و ساختار فرصت) قرار گرفت. البته با توجه به صحبت‌های روستاییان، مقوله‌های کلی جدیدی - مختص همان جامعه - نیز شناسایی شده است، مانند سرمایه معنوی، سرمایه مکانی، وجود حامی. برخی مقوله‌های فرعی نیز خاص جامعه مورد بررسی بود: مانند احساس امنیت خاطر درباره آینده، و قناعت که هر دو زیرمجموعه سرمایه روانشناختی قرار گرفت؛ تسلط به زبان فارسی، وجود مرد در خانواده، و هوشمندی و تدبیر زن برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها و تأمین معیشت خانواده که هر سه زیرمجموعه سرمایه انسانی قرار گرفت؛ و مسکن مستقل (برای عروس خانواده) که زیرمجموعه سرمایه مادی در نظر گرفته شد. برخی مقوله‌های بومی با مقوله‌های مورد توجه پژوهشگران خارجی شباهت داشت، مانند سواد، شغل، درآمد. مردم بومی، برخی مقوله‌ها - مانند راه‌اندازی تشکل سیاسی - را نیز بیان نکردند که دلیل آن، متفاوت بودن شرایط جامعه مورد بررسی با جامعه مفروض در پژوهش‌های خارجی است. شاخص‌های بومی با شاخص‌های مورد توجه پژوهشگران خارجی تلفیق گردید. سپس به منظور بررسی وضعیت زنان روستایی به لحاظ هر یک از شاخص‌های فوق و شناسایی موانع رشد توانمندی اجتماعی و اقتصادی آنها، پرسش‌هایی بر اساس شاخص‌های فوق تدوین گردید.

عوامل مؤثر بر رشد توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی

یکی از عوامل فوق، زندگی چند خویشاوند در کنار هم است. در روستای مذکور، اکثر اقوام به تدریج در کنار یکدیگر خانه ساخته‌اند. این وضعیت، امکان کمک به هم در حوزه‌های گوناگون، حمایت از یکدیگر، سرکشی به منزل همدیگر و مراقبت از آن را در فصل‌های گرم سال - که ساکنان عمدتاً در بیلاق هستند - فراهم می‌کند. سرمایه اجتماعی، همیاری، خانواده‌گرایی و همبستگی اجتماعی میان آنها نیز آثار مهمی را در رشد توانمندی دارد. همان‌طور که نارایان (۲۰۰۲: ۱۵) نیز بیان کرده است «... سرمایه اجتماعی و هنجارهایی که کنش جمعی را محقق می‌کند، به مردم اجازه می‌دهد که دسترسی خود را به منابع و فرصت‌های اقتصادی افزایش دهند، خدمات اساسی را به دست آورند و در تدبیر امور محلی مشارکت کنند... همچنین وجود پیوندهای نزدیک میان آنها کمک می‌کند تا با فقر مقابله کنند...». چه بسا در صورت نبود پیوندهای مذکور در روستای فوق، زنان روستایی از دسترسی به برخی منابع، از جمله امکان تشکیل گروه‌های چندنفره و کار در

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

مزارع سایر روستاها محروم بودند. عامل مؤثر دیگر در دستیابی به فرصت اقتصادی مذکور، همیاری آنها در زراعت است. آنها بعد از اتمام سریع کار در شالیزار خود که صرفاً با همیاری میسر است، می‌توانند به کار در شالیزارهای سایر روستاها بپردازند و درآمد کسب کنند. آنها اکثراً از یک طایفه هستند و میزان اعتماد آنها به هم و مشارکت‌شان فراوان است. در نتیجه، همواره از کمک یکدیگر در حوزه‌های مختلف برخوردارند. قرض دادن شیر دام به یکدیگر - که در اصطلاح محلی به آن قرضِ وینه^۱ گفته می‌شود - کمک در برپایی مراسم عروسی، عزاء، مهمانی، مراقبت از اموال، دام و طیور همسایه، از نمونه‌های دیگر همیاری در جامعه فوق است. وجود امنیت نسبی در روستا نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رشد توانمندی است. سازوکار بومی اهالی برای حفظ امنیت روستا (به صورت کنترل عبور و مرور رهگذران غریبه و کنجکاوای درباره دلیل حضور آنها)؛ و وجود پیوندهای خویشاوندی و طایفه‌ای میان اکثر ساکنان، از عوامل مؤثر بر وجود امنیت نسبی است.

حمایت والدین از فرزندان (به ویژه از فرزندان پسر به صورت کمک در ساخت مسکن و تأمین مایحتاج زندگی آنها تا سال‌ها بعد از ازدواج، در اختیار قرار دادن یکی از اتاق‌های منزل تا زمان ساخت مسکن، اخذ وام برای فرزندان، پرداخت اقساط وام و غیره)؛ حمایت سایر اعضای خانواده و فامیل؛ حمایت بزرگان مذهبی ده (کمک مالی به برخی افراد فقیر و زنان بی‌سرپرست، و مشورت مردم با آنها)؛ حمایت و کمک مردم محلی از فقرا، ضعفا و افراد بیمار؛ رسیدگی شورای روستا به امور ده؛ نزدیکی روستا به شهر و قرار گرفتن در مسیر ارتباطی رضوانشهر، انزلی، هشت‌پر؛ سخت‌کوشی در زندگی؛ و دسترسی ساکنان به برخی امکانات (جاده آسفالت، آب لوله‌کشی، گاز، برق، تلفن) از عوامل مؤثر بر رشد توانمندی در برخی حوزه‌ها است. آنها با خروج تدریجی از نواحی کوهستانی و اسکان در روستا، توانسته‌اند دسترسی خود را به برخی خدمات اساسی در زندگی، مانند امکانات بهداشت و سلامت، آموزش، آب لوله‌کشی، جاده، برق، گاز، و تلفن بهبود بخشند.

موانع رشد توانمندی اجتماعی و اقتصادی دختران و زنان روستایی^۲

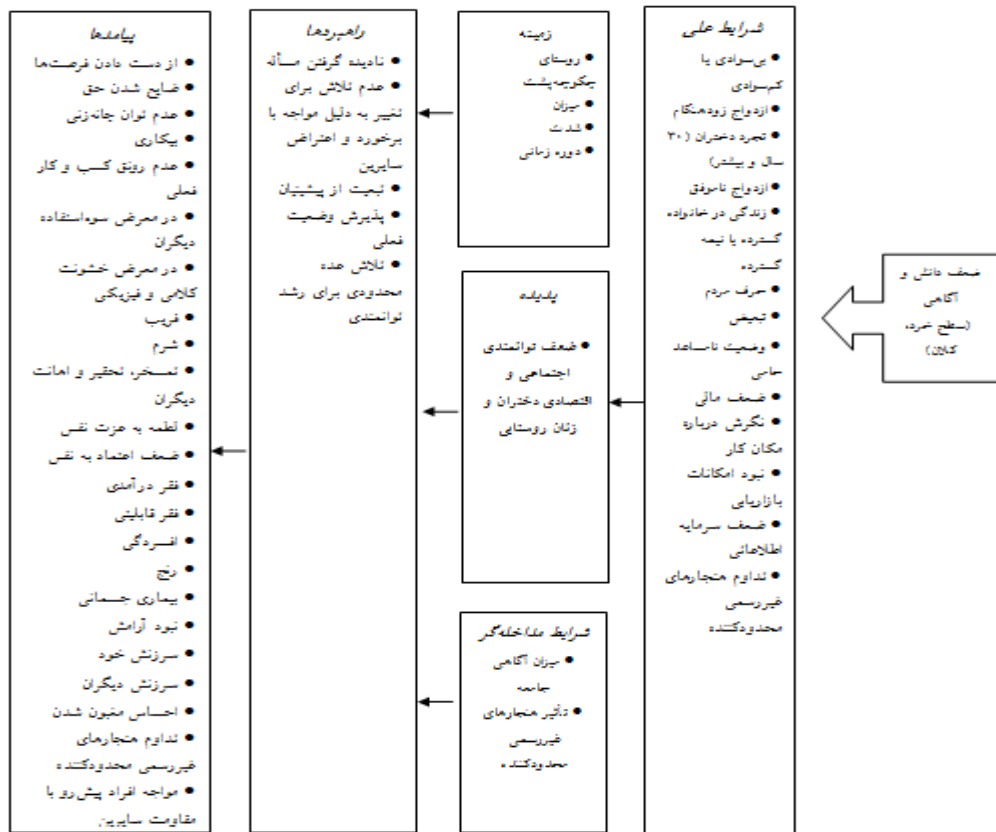
در ادامه مدل نهایی پژوهش حاضر درباره موانع رشد توانمندی اجتماعی و اقتصادی دختران و زنان روستایی و شرح تحلیلی آن بیان می‌گردد. به دلیل اهمیت "ازدواج" در جامعه فوق، علاوه بر سایر مؤلفه‌های توانمندی مانند سواد، مهارت، شغل، بهداشت و غیره، بررسی مسائل مربوط به ازدواج نیز مورد توجه قرار

۱ در برخی نواحی کشور به آن واره گفته می‌شود.

۲ مقوله‌های مربوط به توانمندی اجتماعی و اقتصادی، در مواردی با یکدیگر هم‌پوشانی دارد و نمی‌توان هر یک را مختص حوزه‌ای خاص دانست. برای مثال، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، به هر دو جنبه توانمندی اجتماعی و اقتصادی مربوط است. با این حال، برخی مقوله‌ها مانند نبود امکانات بازاریابی، ضعف مالی، عدم رونق کسب و کار فعلی، وضعیت نامساعد حامی (بخش مربوط به برنامه‌های توانمندسازی) و غیره عمدتاً در بخش توانمندی اقتصادی مورد توجه بوده است.

گرفت. در واقع، با توجه به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده‌ای متعادل به عنوان مهم‌ترین مؤلفه توانمندی اجتماعی زنان، مسائلی که مانع تحقق آن می‌گردد، همگی از موانع رشد توانمندی اجتماعی زنان محسوب شده است. همان طور که بیان گردید، "کار" نیز مهم‌ترین مؤلفه توانمندی اقتصادی در جامعه مورد بررسی است. در مقاله حاضر، علاوه بر سایر مؤلفه‌های فوق، مباحث مربوط به توانمندی اقتصادی، عمدتاً با محوریت کار و عوامل محدودکننده آن، به تفصیل بیان شده است.

شکل (۲): ضعف توانمندی اجتماعی و اقتصادی دختران و زنان روستایی



شرایط علی پدیده ضعف توانمندی اجتماعی و اقتصادی

بی‌سواد یا کم‌سواد

آموزش مهمترین منبع رشد توانمندی انسان‌ها است و بنیانی برای رشد سایر مؤلفه‌های توانمندی محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر، بیانگر شیوع فراوان بی‌سواد یا کم‌سواد دختران و زنان در جامعه مورد بررسی است. ترک تحصیل، نه تنها میان دختران، بلکه در بین پسران نیز وجود دارد که حاصل چنین وضعیتی، وجود تعداد زیاد مردان و زنان بی‌سواد یا کم‌سواد در آینده است. دلایل بی‌سواد یا کم‌سواد در سه نسل مورد بررسی، متفاوت است. اکثر زنان نسل اول (پیرژن) بی‌سواد هستند. آن‌ها عمدتاً در گذشته، از ساکنان دائم نواحی کوهستانی بوده‌اند و عدم اعتقاد والدین به ضرورت تحصیل دختران، لزوم انجام کارهای خانه، دامداری و زراعت، نبود مدرسه، دوری از مدرسه، اختلاط دختر و پسر در مدرسه، ازدواج زودهنگام و غیره از دلایل بی‌سواد آن‌ها در حال حاضر است. برخی از زنان متأهلی (ژنک) که در سنین بالاتر از ۳۰ سال قرار دارند، صرفاً در مقطع ابتدایی تحصیل کرده‌اند یا بی‌سواد هستند. ازدواج زودهنگام، ضعف مالی، دوری خانه از مدرسه، لزوم انجام کارهای خانه و مزرعه، دلیل بی‌سواد یا کم‌سواد آن‌ها در حال حاضر است. تعداد فراوانی از زنان متأهلی (ژنک) نیز که در سنین ۱۸-۳۰ سال قرار دارند، عمدتاً در مقطع راهنمایی یا سال اول یا دوم دبیرستان، ترک تحصیل کرده‌اند که ازدواج زودهنگام، ضعف مالی، عدم علاقه دختران به تحصیل، عدم اعتقاد والدین به ضرورت تحصیل برای دختران و غیره، از دلایل آن است. یکی از عواملی که بر عدم ادامه تحصیل زنان روستایی - علاقمند به ادامه تحصیل - در دوران بعد از ازدواج مؤثر بوده است، عدم اجازه مسئولان مدرسه به تحصیل آنها بوده است. البته در حال حاضر، مانع مذکور رفع شده است. افرادی نیز که در سنین مدرسه در نواحی بیلاقی ساکن بوده‌اند، بعد از اسکان در نواحی دشت، به دلیل گذشت چند سال از زمان تعیین شده برای حضور در مدرسه، امکان ثبت‌نام در مدرسه روزانه را نداشته‌اند. در حال حاضر نیز در جامعه فوق، موانعی برای ادامه تحصیل دختران (کل) در مقاطع تحصیلی مختلف وجود دارد. برخی دختران صرفاً تا پایان مقطع ابتدایی، نیمه مقطع راهنمایی یا سال اول یا دوم دبیرستان تحصیل می‌کنند. به طور کلی، دلایل ترک تحصیل آن‌ها، عدم اعتقاد والدین به ضرورت ادامه تحصیل دختران، ازدواج زودهنگام، ضعف مالی والدین (برای پرداخت هزینه رفت و آمد و غیره)، وضعیت تحصیلی ضعیف دختران، یا عدم علاقه آنها به ادامه تحصیل - که عمدتاً به دلیل وضعیت تحصیلی ضعیف و تأکید بر ازدواج است - و دوری از امکانات آموزشی است. برخی دختران نیز اجازه دارند که فقط تا مقطع دیپلم تحصیل کنند. برخی والدین تمایلی به تحصیل دختران در

۱ در روستای مورد بررسی از سال‌ها قبل، مدرسه راهنمایی پسرانه وجود داشته است. اما دختران برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی، باید از روستا خارج می‌شدند. عامل مذکور نیز در ترک تحصیل برخی دختران مؤثر بوده است.

دانشگاه ندارند. به طور کلی، دلایل ممانعت برخی والدین از تحصیل دختران در دانشگاه عبارت است از: عدم اعتقاد به ضرورت ادامه تحصیل آنها؛ اولویت ازدواج؛ نگرانی والدین از افزایش سن دختران مجرد در اثر تحصیل در دانشگاه؛ در نظر گرفتن تحصیل به مثابه عاملی مؤثر در به تأخیر افتادن ازدواج دختران یا مانعی برای ازدواج دختران؛ نگرانی والدین از انحراف دختران در دانشگاه به دلیل اختلاط دختران و پسران؛ نگرانی والدین از تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های دختران در دانشگاه به دلیل قرار گرفتن در بستری آکنده از ارزش‌هایی متفاوت با ارزش‌های جامعه بومی؛ نگرانی والدین از حرف مردم (به خطر افتادن آبرو)؛ نگرانی والدین از احتمال وقوع اتفاقی برای دختر در مسیر دانشگاه تا منزل (به دلیل امنیت کم در برخی جاده‌های بین‌روستایی و بین‌شهری)؛ عدم اطمینان والدین درباره وضعیت اشتغال فرزندان بعد از فارغ‌التحصیلی؛ نگرانی والدین از عدم اشتغال دختران و در نتیجه، در معرض تحقیر، تمسخر و سرزنش اقوام و اطرافیان قرار گرفتن؛ وجود این تفکر که سرانجام دختر با وجود تحصیل در دانشگاه نیز باید به خانه‌داری و بچه‌داری پردازد؛ ضعف مالی برای پرداخت هزینه‌های تحصیل؛ و دوری منزل از دانشگاه. در ضمن، والدین اعتقاد دارند که مسئولیت دختر و تأمین مخارج زندگی، بر عهده همسر اوست و قرار نیست دختر مخارج زندگی را تأمین کند. بنابراین، تحصیل برای دختر ضرورت ندارد.

البته تعداد معدودی از والدین، به دلایل زیر با تحصیل دختران در دانشگاه موافق هستند. احداث دانشگاه پیام نور و علمی-کاربردی در شهرستان مذکور؛ توجه و تأکید برخی والدین به استقلال مالی دختران؛ رنج والدین از بی‌سوادی خود و پیامدهای آن^۱ و در نتیجه، تلاش برای باسوادی فرزندان؛ تأکید رسانه‌ها؛ تقلید از سایرین (اقوام و اطرافیان)؛ علاقه به ارتقای پایگاه اجتماعی فرزندان؛ توجه والدین به اهمیت رشد فکری دختران؛ تحصیل کرده بودن والدین؛ و اصرار برخی دختران، از عوامل مؤثر بر موافقت تعداد معدودی از والدین با تحصیل دختران در دانشگاه است. والدینی که با ادامه تحصیل دختران در دانشگاه موافقت کرده‌اند، در خصوص مکان دانشگاه آنها، محدودیت‌هایی قائل می‌شوند. دختران عمدتاً اجازه دارند در دانشگاه شهرستان محل زندگی (رضوانشهر) تحصیل کنند. برخی از والدین مذکور نیز برای تأمین شهریه دانشگاه و سایر هزینه‌ها با مشکلات زیادی مواجه هستند. والدین با وجود اجازه به ادامه تحصیل دختران، در تمام دوران تحصیل آنها در دانشگاه، همواره نگران هستند که دلایل آن - یعنی به تأخیر افتادن ازدواج، افزایش سن آنها، فقدان امنیت

۱ شرم؛ تحقیر از سوی دیگران به ویژه شهرنشینان باسواد و مسلط به زبان فارسی؛ عدم توان چانه‌زنی با افراد باسواد و مسلط به زبان فارسی؛ حضور کم در اجتماع گسترده‌تر شهری به دلیل ضعف‌های مذکور؛ و ضعف اعتماد به نفس

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

در برخی جاده‌ها، حرف مردم، دشواری تأمین هزینه‌های تحصیل و غیره - به تفصیل در سطور قبل بیان شد. آنها بر ازدواج دختران مذکور در حین تحصیل یا بلافاصله بعد از اتمام تحصیل بسیار تأکید می‌کنند. ازدواج زودهنگام

در جامعه مورد بررسی و برخی نواحی اطراف، برخی دختران در سنین کم (۱۳-۱۴ سالگی) ازدواج می‌کنند. هنجار غالب، تأکید بسیار خانواده و اقوام بر ازدواج زودهنگام آنها است. دختران بدون برخورداری کامل از دوره‌های آموزشی در مدرسه، و بدون داشتن فرصتی - به دلیل حجم کار زیاد خانه و مزرعه - برای استفاده از رسانه‌ها و کتب به منظور رشد آگاهی خود ازدواج می‌کنند. ازدواج زودهنگام، یکی از عواملی است که رشد توانمندی آنها را در برخی حوزه‌ها، کند یا متوقف می‌کند. به ویژه زمانی که همسر و والدین وی، از ادامه فرایند یادگیری ممانعت کنند. تأکید برخی والدین بر ازدواج زودهنگام تا حدی است که گاه دختر را مجبور به ازدواج با فردی خاص می‌کنند. دلایل تأکید بر ازدواج زودهنگام دختران، ارزشمندی و اولویت ازدواج؛ باورهای جامعه؛ نگرانی والدین از نبود فرصت‌هایی برای ازدواج دختران در آینده؛ نگرانی والدین از پیامدهای پاسخ منفی به خواستگار؛ نگرانی از حرف مردم؛ عبرت از دختران مجرد (بیشتر از ۳۰ سال)؛ نگرانی از افزایش سن دختران و به تأخیر افتادن ازدواج؛ نگرانی از فاصله سنی زیاد بین آنها و فرزندان‌شان؛ نگرانی از انحراف آنها؛ تقاضای فراوان جامعه برای ازدواج با دختران نوجوان؛ تمایل بسیار برخی دختران نوجوان برای ازدواج؛ نگرانی والدین از فرار دختر با پسر مورد علاقه‌اش؛ ضعف مالی (به ویژه در خانوارهای فقیر و آسیب‌پذیر). با این حال، برخی نیز با ازدواج زودهنگام دختران مخالف هستند. آنها معتقدند دختران کم‌سن و سال، از دانش و مهارت کافی برای اداره زندگی برخوردار نیستند.

دختران مذکور، مسئولیت‌های سنگین زندگی را از دوران نوجوانی بر عهده می‌گیرند. آنها بسیار زودتر از سایر دختران، با مشکلات زندگی مواجه می‌شوند. در ضمن، آنها عمدتاً همزمان با ازدواج، ترک تحصیل کرده‌اند. بنابراین، از زنان کم‌سواد جامعه و فاقد برخی آگاهی‌ها هستند. دانش ناکافی درباره مدیریت زندگی مشترک، نحوه تعامل با همسر و فرزند - که البته در مدرسه نیز به آنها آموخته نمی‌شود - نیز بر مشکلات آنها

- ۱ اعتقاد به طراوت؛ حرف‌شنوی؛ سلامت جسمی، روحی، و اخلاقی؛ و سازش بیشتر دختران کم‌سن؛ وابستگی و وفاداری بیشتر زوجین به هم.
- ۲ کینه خواستگار از دختر؛ بیان حرف‌هایی غیرواقعی درباره او؛ نسبت دادن ضعفی به دختر؛ گسترش شایعات مردم درباره دختر
- ۳ افرادی که فرزند دختر دارند، فشار اجتماعی فراوانی را متحمل می‌شوند. آنها نگرانی‌های فراوانی دارند که یکی از آنها، نگرانی از حرف مردم است و چند جنبه را شامل می‌شود. یک نوع حرف، طعنه مردم درباره عدم ازدواج دختر است. دوم، حرف درباره عبور و مرور دختر به منظور یادگیری مهارت، تحصیل و اشتغال است که در صورت گسترش شایعاتی در چنین مواقعی، آن را بی‌آبرویی تلقی می‌کنند. والدین به منظور اجتناب از پیدایش وضعیت فوق، به ازدواج سریع‌تر دختر در سنین کم تمایل دارند و تا زمان ازدواج او، محدودیت‌هایی را در خصوص خروج از خانه اعمال می‌کنند. به دلیل بر هم خوردن خواستگاری قبلی نیز ممکن است شایعاتی بیان شود.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

می‌افزاید و آنها خود را در مدیریت زندگی ناتوان احساس می‌کنند. سختی گذران زندگی، اختلاف زوجین، پشیمانی، و در مواردی، طلاق از پیامدهای وضعیت مذکور است. احتمال بروز اختلاف نیز در چنین خانواده‌هایی وجود دارد. به ویژه زمانی که ازدواج با عجله یا اجباری و با افرادی کم‌سواد و دچار برخی مسائل خاص انجام شده باشد.

تجرد دختران

یکی دیگر از مسائل جامعه مورد بررسی، تجرد دختران (۳۰ سال و بیشتر) است. دختران مذکور با مسائلی^۱ مواجه هستند. به دلیل اهمیت و اولویت فراوان ازدواج در جامعه یادشده، دختران مجرد، هنجارشکنی اجتماعی محسوب می‌شود و از آنها برای عبرت سایرین یاد می‌شود. نگاه‌ها و حرف‌های مردم، معطوف آن‌ها است. ترحم اقوام و دوستان و نذر و دعای آنها؛ نگرانی والدین و اقوام از آینده دختران مجرد؛ نگرانی و ناراحتی والدین، اقوام و دختران از حرف مردم؛ شرم والدین، اقوام و دختران؛ وابستگی معیشت آنها به والدین یا سایر اعضای خانواده؛ لزوم زندگی با افراد مسن یا بیمار و تحمل پیامدهای ناشی از آن؛ احساس تنهایی؛ ترس؛ و انتظار از مسائل آنها است. انزوای افسردگی؛ غبطه به افراد متأهل؛ بیماری؛ غصه؛ لطمه به عزت نفس؛ ضعف اعتماد به نفس؛ سرزنش از سوی والدین؛ پشیمانی؛ سرزنش خود؛ تسکین سایرین؛ عدم امکان خروج از منزل؛ اجبار برخی والدین به ازدواج دختران مذکور با مردی نامناسب (مسن، بسیار جوانتر، متأهل، معتاد و غیره)؛ ازدواج با مردی مسن یا بسیار جوانتر؛ تمایل برخی والدین به ازدواج زودهنگام دختران نوجوان خود به منظور پیشگیری از برخی مسائل فوق، از پیامدهای وضعیت یادشده است.

ازدواج ناموفق

اقسام ازدواج ناموفق که به تشکیل خانواده‌ای نامتعادل می‌انجامد، عبارت است از: (۱) ازدواج زوجین بدون شناخت قبلی از یکدیگر؛ (۲) ازدواج اجباری؛ (۳) ازدواج با مرد معتاد؛ (۴) ازدواج با مرد مجرم (توزیع‌کننده مواد مخدر و غیره)؛ (۵) تعدد زوجات؛ (۶) ازدواج با مرد بیمار؛ (۷) ازدواج با مرد بیکار؛ (۸) مرد زندانی؛ (۹) ترک خانواده توسط پدر؛ (۱۰) ازدواج ناموفق به دلیل دخالت‌های مستمر اقوام، به ویژه والدین پسر یا دختر^۲. فقدان آگاهی زوجین درباره نحوه تعامل با یکدیگر و فرزندان نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری خانواده‌ای

۱ البته برخی مسائل در خصوص دختران مجرد واقع در سنین ۲۰-۳۰ سال نیز صادق است، زیرا معیار سنی مورد قبول جامعه برای ازدواج، حداکثر ۲۰ سال است.

۲ درباره مسائل اعضای خانواده‌های فوق به تفصیل در رساله بحث شده است.

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

نامتعادل است. پیامدهای ازدواج ناموفق، در معرض خشونت کلامی و فیزیکی قرار گرفتن؛ لطمه به عزت نفس؛ افسردگی؛ رنج همسر و فرزندان؛ بیماری؛ نبود آرامش؛ سرزنش خود و دیگران است. زندگی در خانواده گسترده

یکی از عوامل مؤثر بر رشد توانمندی اجتماعی زن (درون خانوار) زندگی در خانه‌ای مستقل است^۱. نبود حوزه خصوصی؛ اختیارعامل محدود در بسیاری از جنبه‌های زندگی؛ لزوم انجام همه کارهای منزل یا مشارکت عمده در انجام آن‌ها (نظافت، آشپزی، مهمانداری، تهیه فرآورده‌های غذایی و غیره)؛ لزوم مشارکت در همه امور مربوط به زراعت و دامداری؛ امکان بروز کدورت؛ لطمه به حرمت افراد؛ کنترل والدین و دخالت آنها در برخی حوزه‌ها؛ سختگیری و گاهی اعمال خشونت کلامی و فیزیکی از مشکلات برخی زنان جوان در خانواده‌های گسترده است.

حرف مردم

حرف مردم نیز از موانع رشد توانمندی است. گاهی اوقات نگرانی از حرف مردم، موجب ممانعت از دختران برای ادامه تحصیل، یادگیری مهارت و اشتغال می‌شود که همگی مستلزم خروج از روستا و ورود به شهر است. وقتی سن دختران از ۱۷، ۱۸ سال بالاتر رود، نگرانی والدین از گسترش شایعه‌پراکنی درباره آن‌ها بیشتر است و دختران مذکور، بیشتر در خانه حضور دارند. عده معدودی از دختران واقع در سنین بالاتر از ۱۷، ۱۸ سال نیز که دانشجوی هستند یا محل کار آن‌ها در بیرون از خانه - در شهر - است^۲، با محدودیت‌هایی برای خروج از روستا مواجه هستند^۳.

زنان بی‌سرپرست (در اثر فوت همسر، طلاق، ترک همسر، عدم ازدواج) یا بدسرپرست (همسر مرد زندانی، معتاد، مجرم و غیره) با موانع بیشتری (عمدتاً فرهنگی) برای رشد توانمندی‌شان مواجه هستند. برخی از آن‌ها تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار می‌گیرند. اما برای فراگیری مهارت‌های شغلی در نهاد مذکور، با مشکلاتی مواجه هستند. به محض خروج آن‌ها از خانه - حتی برای خرید در بازار هفتگی - شایعاتی درباره آن‌ها بیان می‌شود. نگرانی از حرف مردم، عمده‌ترین مانع رشد توانمندی اقتصادی آن‌ها است. مانع دیگر، ضعف مالی آن‌هاست. برای شرکت در کلاس‌های مذکور، باید به شهر رفت و هزینه‌ای برای رفت و آمد پرداخت کرد. بسیاری توان پرداخت هزینه‌های مذکور را ندارند.

۱ بسیاری از خانواده‌ها، از نوع گسترده است و گاهی دو عروس در یک خانه همراه والدین همسر زندگی می‌کنند تا خانه‌شان به تدریج در طی چند سال ساخته شود. خانه‌ها عمدتاً در کنار خانه پدری ساخته می‌شود. در روستای مورد بررسی، تعداد زیادی خانه نیمه‌ساز مشاهده گردید.

۲ تعداد دختران شاغل در شهر بسیار اندک بود.

۳ مشاهده شد که یکی از دختران شاغل - آرایشگر - به همین دلیل، به طور مستمر در محل کار خود در بیرون از روستا حضور نمی‌یافت.

تبعیض

تبعیض میان فرزند دختر و پسر، یکی دیگر از پدیده‌های مورد مشاهده بود که البته در گذشته شدت بسیار بیشتری داشته است. یکی از ریشه‌های تبعیض میان دختر و پسر، وجود هنجار غالب علاقه به فرزند پسر در بین اقوام تالش است^۱. علاقه به فرزند پسر، تا حدی شایع است که اکثر خانواده‌ها برای دختران ارث در نظر نمی‌گیرند. کسانی که هیچ وقت صاحب فرزند پسر نمی‌شوند، اطرافیان تا سال‌های بعد - حتی بعد از گذشت دوران میانسالی - نیز همچنان منتظر به دنیا آمدن فرزند پسر هستند.

وضعیت نامساعد حامی

حامی طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود. در مرحله اول بررسی، والدین، سایر اعضای خانواده، اقوام، همسر، خانواده همسر، بزرگان مذهبی ده، سایر ساکنان روستا و در سطح کلان، نهادهای حمایتی و طرح‌های توانمندسازی، همگی زیرمجموعه مقوله کلی‌تری به نام حامی قرار گرفت. حمایت می‌تواند به شکل‌های مختلف از جمله حمایت مالی، کلامی، آموزشی یک مهارت خاص و غیره باشد. حمایت والدین (به صورت کلامی، مالی و غیره) در رشد توانمندی افراد مؤثر است. در صورت نبود حمایت مذکور (در اثر فوت، جدایی والدین، عدم تشویق والدین، ضعف بنیه مالی، فرهنگی و غیره) ممکن است ادامه تحصیل دختران، چند سال به تأخیر بیفتد یا کلاً میسر نباشد یا برخی فرصت‌های مطلوب از دست رود. حمایت همسر نیز در این حوزه مؤثر است. در روستای مذکور، مردم از حمایت بزرگان مذهبی ده، حمایت سایر اهالی ده، و حمایت اقوام نیز برخوردارند. در ادامه، با محوریت موضوعات مربوط به توانمندی اقتصادی، درباره دو طرح توانمندسازی در روستای مورد بررسی بحث می‌شود.

روستایی برای بقا خود، به زمین وابسته است. لازم است وی در حوزه‌های دیگر نیز توانایی‌هایی کسب کند تا در مواقع بروز حوادث پیش‌بینی نشده طبیعی - که ممکن است به محصولات وی آسیب بزند - توان کسب درآمد از کاری غیرزراعی را داشته باشد. علاوه بر این، در روستای مذکور، مساحت زمین زراعی افراد کم است. در نتیجه، آنها به منابع درآمدی دیگری برای ادامه زندگی نیاز دارند و لازم است در حوزه‌های دیگر، توانایی‌های کسب کنند. آنها در شش ماه از سال نیز بیکار هستند. در حالی که اگر توانایی‌هایی در حوزه‌های دیگر داشته باشند، امکان کسب درآمد از منابع دیگر برای آنها فراهم می‌شود. برخی از روستاییان نیز دامدار هستند. اما دام نیز با خطرهایی مانند سرقت، بیماری و غیره روبرو است. دام نوعی پس‌انداز برای آینده - زمان

۱ دلایل علاقه به فرزند پسر نیز مورد بررسی قرار گرفت که علاقمندان برای مطالعه آن می‌توانند به رساله مذکور مراجعه کنند.

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

بروز وقایع پیش‌بینی نشده و برخی وقایع مانند عروسی و فوت - است. با توجه به مباحث مذکور، رشد مهارت روستاییان بسیار ضرورت دارد.

مراکز یادگیری محلی: حدود ۱۰ سال قبل، طرح مرکز یادگیری محلی در روستای مذکور اجرا شده است. عدم راه‌اندازی شغل یا عدم تداوم شغل به دلایل مختلف مانند ضعف مالی برای تهیه نهاده‌ها یا ارتقای مهارت؛ عدم تشویق و حمایت اعضای خانواده (برای مثال، عدم اجازه به دختر برای خروج از منزل به منظور تهیه وسایل کار، عدم اعتقاد به ضرورت تداوم کار او و غیره)؛ نبود بازار فروش؛ عدم دسترسی به برخی نهاده‌ها (مانند وسایل کار قالبی‌بافی در همان شهرستان)؛ عدم آموزش مطلوب برخی مهارت‌ها (خیاطی)؛ عدم استمرار کلاس‌های آموزشی در طی زمان و مقطعی بودن آن‌ها؛ برگزاری کلاس در فصل زراعت؛ کیفیت کم کلاس‌های آموزشی؛ عدم تناسب نوع آموزش‌ها با نیازهای جامعه روستایی؛ عدم ارزیابی صحیح از عملکرد و یادگیری شرکت‌کنندگان (آزمون کتبی برای ارزیابی یادگیری خیاطی)؛ عدم توجه به سایر زمینه‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار از جمله بازاریابی، تأمین ارزان نهاده‌ها، تسهیل دریافت وام، مشاوره شغلی به روستاییان؛ انگیزه‌های دیگر برخی افراد برای یادگیری مهارتی خاص مانند استفاده از وام؛ ضعف دانش و توان مدیریت فرد برای استفاده صحیح از وام برای راه‌اندازی یا رونق کسب و کار؛ و استفاده از وام برای کاری غیر از هدف تعیین شده، از کاستی‌های این حوزه است.

عده معدودی از شرکت‌کنندگان، موفق به راه‌اندازی شغل و تداوم آن تاکنون شده‌اند. آن‌ها بعد از اتمام اجرای طرح مذکور، در کلاس دیگری در شهر رضوانشهر شرکت کرده‌اند تا به نحوی کامل، مهارت مورد نظر را یاد بگیرند. در واقع، کلاس‌های مرکز یادگیری محلی، پایه اولیه برای یادگیری و عاملی مؤثر در رشد انگیزه به منظور ارتقای مهارت در شهر رضوانشهر بوده است. عمده‌ترین شرکت‌کنندگان در کلاس‌های نهضت سوادآموزی نیز زنان مسن بوده‌اند که به دلیل سن بالا، توان و حوصله‌شان برای یادگیری کمتر بوده است. زنان مسن می‌گفتند که با وجود شرکت در کلاس مذکور، نتوانسته‌اند سواد خواندن و نوشتن را یاد بگیرند.^۱

صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی: در ایران، برخی از طرح‌هایی که در آن‌ها صرفاً پرداخت اعتبار و کسب تجربه پس‌انداز گروهی مورد توجه است، طرح توانمندسازی محسوب می‌شود. در حالی که پرداخت اعتبار، صرفاً یکی از عوامل فرعی است که می‌تواند در رشد توانمندی افراد مؤثر باشد. یکی از طرح‌های مذکور

۱ از آغاز بررسی میدانی، از مشارکت‌کنندگان، درباره شرکت در کلاس‌های فوق، کیفیت کلاس‌ها و سودمندی آن‌ها سؤالاتی پرسیده شده است. اگر در سازمان نهضت سوادآموزی شهرستان رضوانشهر، اطلاعات لازم به ویژه درباره طرح و گزارش‌هایی اجرایی آن در روستای مذکور ارائه می‌شد، امکان بیان اطلاعات جزئی‌تر در این باره فراهم می‌گردید.

– صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی^۱ – در روستای مورد بررسی اجرا شده است. گرچه توانمندسازی برای همه مناطق و همه اقشار ضرورت دارد، اما اجرای چنین طرح‌هایی – که هدف آن، عمدتاً پرداخت اعتبار است – در وهله اول، در مناطق بسیار محروم و فقیر (به لحاظ درآمدی) معنا دارد. به ویژه مناطقی که ساکنان آن، تجربه راه‌اندازی انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار گردشی^۲ – قرعه‌کشی – را ندارند و فاقد آگاهی درباره نحوه اخذ وام از بانک‌های رسمی و توان لازم برای این کار هستند. گرچه در روستای یادشده نیز برخی افراد دچار فقر درآمدی شدید هستند و به سرمایه‌ای اولیه برای رونق کسب و کار فعلی خود نیاز دارند. اما برخی افراد فوق، بعد از گذشت دو سال از اجرای طرح، هنوز از وجود صندوق در روستا و سازوکار آن بی‌اطلاع هستند. در واقع، اطلاع‌رسانی فقط به عده‌ای محدود انجام شده است و عدم تقارن اطلاعاتی^۳ در جامعه مشاهده می‌شود که خود به عدم ایجاد فرصت‌های متقارن^۴ می‌انجامد. عده‌ای نیز بعد از راه‌اندازی صندوق از وجود آن مطلع شدند که دیگر برای عضویت آن‌ها دیر شده بود. برخی دیگر از افراد غیرعضو نیز به دلیل سود بالای وام و برخی به دلیل عدم اطمینان از توان پرداخت اقساط وام در آینده، از عضویت منصرف شدند.

عدم تطابق رویه صندوق مذکور با عرف و شرایط بومی جامعه روستایی، یکی دیگر از یافته‌های پژوهش است. برای مثال، به زن روستایی سالخورده‌ای که فعالیت اصلی‌اش، زراعت و دامداری (دارای شش گاو) است، توصیه شده است که شغلی راه‌اندازی کند. آیا چنین فردی را می‌توان بیکار محسوب کرد و سپس درصدد شاغل کردن وی برآمد؟^۵ در میان زنان روستایی ایران – چه در جامعه مورد بررسی یا غیر آن – زنانی وجود دارند که فاقد دام، زمین زراعی، و توانایی جسمانی برای زراعت هستند که در صورت بی‌سرپرست یا

۱ صندوق مذکور در فروردین ۱۳۸۹ شروع به کار کرده است.

۲ در روستای فوق، قبل از راه‌اندازی صندوق مذکور، اهالی روستا (زنان و مردان) سابقه تشکیل انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار گردشی و عضویت در آن را داشته‌اند که در اصطلاح محلی به آن بانک محلی می‌گویند. در انجمن‌های مذکور، هر عضو ماهانه یا هفتگی، مبلغی را پرداخت می‌کرد و بر اساس قرعه‌کشی، وام به یکی از اعضا داده می‌شد.

3 Asymmetric Information

4 Asymmetric Opportunities

۵ انجام یک بررسی اولیه و صرف مدت زمانی کوتاه در روستای مذکور توسط یک کارشناس مجرب، قبل از آغاز اجرای طرح مذکور، می‌توانست از وقوع این مسأله جلوگیری کند. بر اساس اطلاعات خانوارها در جدول مادر، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مشاهده مشارکتی، و زندگی با روستاییان، به تدریج درباره برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مالی و مادی آن‌ها، و نسبت خویشاوندی نزدیک اکثر اعضای صندوق مذکور با هم، یافته‌های مهمی کسب گردید. ۲۵ نفر عضو صندوق، عمدتاً در محدوده مرکزی ده در محله پایین اسکان دارند و رابطه خویشاوندی نزدیکی میان اکثر آن‌ها وجود دارد. ۶ وی چندین ساعت از روز را صرف بردن دام‌ها به علفزاری دور از خانه (صبح زود) و سپس برگرداندن آن‌ها به منزل (در غروب)، نظافت جایگاه دام و جمع‌آوری فضولات آن (هر روز)، دوشیدن شیر و تهیه لبنیات آنها می‌کند و پس از کنار گذاشتن مقداری از آن برای مصرف شخصی، مازاد آن را می‌فروشد. در عین حال، تنوعی از راه‌های دیگر را نیز برای کسب درآمد به کار می‌گیرد، از قبیل کشت برنج، پرورش طیور، کارگری در شالیزارهای دیگران، کشت سبزیجات، علاوه بر این، با خیاطی، بافندگی و حصیربافی نیز آشناست.

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

بدرپرست بودن، وضعیت معیشتی آن‌ها بسیار نامساعد است. می‌توان سازوکاری برای رشد مهارت و اشتغال آن‌ها و پرداخت وام -به قدر کفایت- برای راه‌اندازی شغل طراحی کرد و مراحل رشد آن‌ها را تحت کنترل قرار داد و در این مسیر، به رشد توانمندی آن‌ها کمک کرد و گام به گام به آن‌ها مشاوره داد.

صرفاً تأکید صندوق بر پرداخت اعتبار؛ عدم کفایت مبلغ وام برای راه‌اندازی کسب و کاری جدید؛ اصرار اعضا به دریافت سریع‌تر مبلغ پس‌انداز و اتمام کار صندوق به دلیل عدم دریافت سود از پس‌انداز، بدبینی و بی‌اعتمادی، شکایت از زیاد بودن مبلغ اقساط و سود وام، نارضایتی از تأخیر در بازگرداندن پس‌اندازها به اعضا، نگرانی از عدم تداوم حضور مسئولان صندوق در روستا در ماه‌های اخیر؛ و تصمیم اعضا به ایجاد صندوقی دیگر مطابق با عرف محلی بعد از انحلال صندوق مذکور^۱ از دیگر یافته‌های کسب شده در این خصوص بود. وقتی با واقعیات روستا مواجه می‌شویم، وضعیت نهاد مذکور شکل خاصی می‌یابد، به طوری که اگر آن را با اهداف عام و از قبل تعیین شده مقایسه کنیم، وضعیت متفاوتی را مشاهده می‌کنیم. شاید این، مرحله اولیه باشد و به تدریج، با کسب تجاری بیشتر، وضعیتی نزدیک به تحقق اهداف عام نهاد مذکور پدید آید. شایان ذکر است که همه اطلاعات فوق درباره صندوق، به نحوی تدریجی، ضمنی و در حین مشاهده مشارکتی و زندگی با روستاییان حاصل شده است.

به طور کلی، یکی از نارسایی‌های طرح‌های توانمندسازی این است که در ابتدا بررسی اولیه‌ای برای آگاهی از موانع رشد توانمندی افراد در جامعه مورد نظر انجام نمی‌شود تا سپس بر اساس یافته‌های حاصل از آن، تدابیری برای رشد توانمندی آن‌ها اندیشیده شود. برای مثال، ترک تحصیل دختران، ازدواج زودهنگام دختران روستایی و پیامدهای ناگوار آن، یکی از مشکلات زنان روستایی است که می‌توان تدابیری برای رفع آنها اندیشید. یکی دیگر از نارسایی‌های طرح‌های مذکور، عدم توجه به بنیان اصلی، یعنی رشد فکری و فرهنگی جامعه است. در طرح‌های مذکور، که رشد توانمندی، مهم‌ترین هدف در نظر گرفته شده، تدابیری برای رشد فکری و فرهنگی زنان و مردان جامعه اندیشیده نشده است.^۲

۱ زنان روستایی جامعه مذکور از قبل سابقه تشکیل و عضویت در انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار گردشی را داشتند و تفاوت آن را با صندوق یادشده احساس می‌کردند. آنها بر این موضوع تأکید می‌کردند که عضویت در انجمن‌های مذکور، مستلزم پرداخت سود نیست و مبلغ اقساط آن نیز کم است.
۲ در روستای مورد بررسی، ۳۵ زن سرپرست خانوار نیز تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) هستند. ۹ نفر تحت پوشش طرح عادی و بقیه تحت پوشش طرح شهید رجایی هستند. ۷ نفر از افراد تحت پوشش نیز از وام خودکفایی استفاده کرده‌اند (کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان رضوانشهر، ۱۳۹۱). با کمک کمیته امداد امام خمینی (ره) چند خانه نیز برای برخی از روستاییان بی‌بضاعت ساخته شده است. اگر در کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان فوق، اطلاعات بیشتری به ویژه درباره کل افراد تحت پوشش و چگونگی استفاده از وام‌های خودکفایی ارائه می‌شد، امکان بیان تحلیل جامع‌تری در این باره فراهم می‌گردید.

از دیگر موانع توانمندی اقتصادی افراد مورد بررسی، ضعف مالی، نگرش درباره مکان کار، نبود امکانات بازاریابی، و ضعف سرمایه اطلاعاتی است. برخی برای یادگیری مهارتی خاص یا ارتقای مهارت قبلی، یا برای تهیه مکانی برای انجام شغل مورد نظر با ضعف مالی مواجه هستند. نگرش خاصی نیز درباره مکان کار دختران و زنان روستایی وجود دارد. اکثر دختران و زنان روستایی به یادگیری دو مهارت خیاطی و آرایشگری و اشتغال به آن‌ها علاقه داشتند. بسیاری از آن‌ها (حتی دانشجویان) یکی از مهارت‌های فوق را یاد گرفته‌اند و از آن طریق، درآمد نیز کسب می‌کنند. برخی نیز قصد یادگیری یکی از دو مهارت فوق و اشتغال به آن را بعد از دوران فارغ‌التحصیلی دارند. دلیل گرایش بسیار آنها به یادگیری خیاطی و آرایشگری این است که کارهای فوق را می‌توان در منزل یا کنار آن انجام داد و نیازی به خروج از منزل نیست. والدین یا همسر عمدتاً ترجیح می‌دهند که دختران یا زنان روستایی، در منزل مشغول به کار باشند. البته محیط بیرون از منزل نیز چندان برای دختران و زنان روستایی مساعد نیست. در برخی جاده‌های بیرون از روستا، خطرهای دختران و زنان را تهدید می‌کند. داشتن اطلاعات (سرمایه اطلاعاتی) نیز اشخاص را قادر به دستیابی به خدمات و فرصت‌هایی می‌کند. در روستای فوق، به لحاظ دسترسی به اطلاعات، کاستی‌هایی ملاحظه می‌شود. زنان روستایی به دلیل مشغله کاری فراوان در خانه و مزرعه، کمتر فرصت کسب اطلاعات از رسانه‌هایی مانند تلویزیون و رادیو را دارند. بسیاری از زنان روستایی درباره سازوکار آموزشی وزارت جهاد کشاورزی برای پرورش محصولی خاص یا نحوه اخذ تسهیلات از سازمان‌های مربوط اطلاعات ندارند یا بسیار دیر از پرداخت تسهیلات در سازمان خاصی (برای مثال، پرداخت وام برای یک نوع از مشاغل خانگی) مطلع می‌شوند. برخی زنان روستایی، مشتاق به یادگیری نحوه پرورش قارچ بودند، اما درباره سازوکار وزارت جهاد کشاورزی برای آموزش و مشاوره به روستاییان آگاه نبودند. دختران در حال تحصیل در دانشگاه، نگران آینده شغلی خود بودند، اما با روش‌های اطلاع‌یابی از فرصت‌های شغلی و برخی مهارت‌های مورد نیاز برای اشتغال آشنا نبودند. آنها به دلیل محدود بودن ارتباطات، بسیار دیر از برخی فرصت‌ها مطلع می‌شوند. در خصوص سرمایه سازمانی نیز توان تشکیل گروه‌های کار در شالیزار (البته در بین برخی زنان میانسال) توانایی همکاری با یکدیگر، و همیاری روستاییان برای برپایی مراسم عروسی و عزا از مصادیق مورد مشاهده بود.

در تحلیل سرمایه روانشناختی می‌توان گفت بی‌سوادی یا کم‌سوادی، عدم تسلط برخی به زبان فارسی، عدم تبحر در برخی مهارت‌ها و غیره، تأثیر بسیار مهمی در ضعف سرمایه روانشناختی افراد به ویژه در حوزه اعتماد به نفس، عزت نفس، احساس توانایی، قدرت چانه‌زنی و غیره دارد.

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

در خصوص سلامت و بهداشت، یعنی مؤلفه دیگر سرمایه انسانی می‌توان گفت که خانه بهداشت روستا، سلامت و بهداشت روستاییان به ویژه زنان و کودکان را به نحوی مستمر کنترل می‌کند و در هر بار مراجعه زنان روستایی، اطلاعات لازم درباره بهداشت و سلامت به آنها بیان می‌شود. با این حال، هنوز در این حوزه ضعف آگاهی (برای مثال درباره بهداشت دام) و کاستی‌هایی ملاحظه می‌گردد. علاوه بر این، در شهرستان رضوانشهر بیمارستان وجود ندارد و روستاییان باید به نواحی دورتری مراجعه کنند. برای دختران و زنان روستایی امکانات ورزش و تفریح - که برای رشد سلامت و نشاط آنها مؤثر است - مهیا نیست. برخی از دختران و زنان روستایی، از نیاز به امکانات فوق سخن گفتند.

راهِبردها

نادیده گرفتن مسأله؛ عدم تلاش برای تغییر به دلیل مواجهه با برخورد و اعتراض سایرین؛ تبعیت از پیشینیان؛ و پذیرش وضعیت فعلی، از راهبردهای تعامل با پدیده ضعف توانمندی اجتماعی و اقتصادی است. البته عده معدودی برای رشد توانمندی خود تلاش می‌کنند. برای مثال به ادامه تحصیل در دانشگاه می‌پردازند. برای رشد دانش و مهارت خود در حوزه‌های دیگر تلاش می‌کنند. اما آنها با دشواری‌هایی مواجه هستند که در ادامه بیان شده است.

پیامدها

وضعیت فوق، پیامدهایی دارد. بیکاری، فریب، در معرض سوءاستفاده دیگران بودن، از دست دادن فرصت‌ها، ضایع شدن حق، عدم رونق کسب و کار فعلی و عدم توان چانه‌زنی، برخی از پیامدهای مذکور است. افرادی که به لحاظ توانمندی ضعیف هستند، بیشتر در معرض فریب قرار دارند. برای مثال، فردی که از قوانین و سازوکارها مطلع نیست، ممکن است به راحتی فریب بخورد و دچار زیان‌های مادی (امضای فرم واگذاری حق برداشت از حساب توسط فرزند و فریب مادر؛ دادن پول به فردی برای سرمایه‌گذاری و فرار وی) و غیرمادی (حیثیتی) شود. افراد بی‌سواد یا کم‌سواد، توان چانه‌زنی و اعتماد به نفس کمتری در مقایسه با سایرین دارند. آنها ممکن است به راحتی فرصت‌ها و گاهی حتی تنها فرصت را از دست بدهند. برای مثال، فردی که از توانایی کار با کامپیوتر و نحوه جستجو در سایت‌ها برخوردار است و با دایره گسترده‌ای از دوستان و آشنایان ارتباط دارد، طبیعتاً به اطلاعات بیشتری درباره فرصت‌های شغلی دست می‌یابد تا فردی که فاقد مهارت‌های فوق است. همچنین افراد با اعتماد به نفس بالا که خود را قادر به انجام شغلی خاص می‌دانند، بیشتر در این

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

حوزه موفق هستند. البته ساختار فرصت نیز بسیار اهمیت دارد. به طوری که گاهی فرد از دانش و مهارت‌های فوق برخوردار است، اما در جامعه، فرصت شغلی متناسب با مهارت مورد نظر مهیا نیست. فارغ‌التحصیلان دانشگاه از جمله افراد مذکور هستند.

یکی از پیامدهای ضعف توانمندی اجتماعی زنان، اعمال خشونت کلامی یا فیزیکی بر آنها از سوی همسر، اقوام همسر، و فرزندان است. شرم (والدین و فرزندان)، تمسخر، تحقیر و اهانت دیگران، لطمه به عزت نفس، ضعف اعتماد به نفس، فقر درآمدی و قابلیت، افسردگی، رنج (والدین و فرزندان)، بیماری، نبود آرامش، سرزنش خود و دیگران، و احساس مغبون شدن از دیگر پیامدها است. برخی شهرنشینان، افراد بی‌سواد و غیرمسلط به زبان فارسی را مسخره می‌کنند و رفتاری تحقیرآمیز و اهانت‌آمیز^۱ با آنها دارند. فرزندان حاصل ازدواج‌های ناموفق نیز دچار مسائل و رنج‌هایی هستند. آن‌ها همواره اختلاف‌ها و تنش‌های بین زوجین را ملاحظه می‌کنند و از پیامدهای ازدواج ناموفق رنج می‌برند. فرزندان که در خانواده‌های گسترده پرتنش زندگی می‌کنند نیز دچار ناراحتی هستند.

تعداد معدودی که برای رشد توانمندی خود تلاش می‌کنند، گاهی با مسائلی از جمله مقاومت سایرین مواجه می‌شوند. برای مثال، تقاضای عروس‌ها برای داشتن خانه‌ای مستقل، به ویژه در سال‌های اول زندگی مشترک، بسیار نامطلوب تلقی می‌شود و به ندرت خانواده‌ای یافت می‌گردد که با این موضوع مخالفت نکند. مقاومت (پدر، مادر، همسر، خانواده همسر) در برابر ادامه تحصیل دختران، رشد مهارت‌هایی که یادگیری آنها مستلزم خروج از منزل است و غیره از مصادیق دیگر در این حوزه است. بکارگیری راهبردهای عدم تلاش برای تغییر، تبعیت از پیشینیان و پذیرش وضعیت فعلی نیز در تداوم هنجارهای غیررسمی محدودکننده رشد توانمندی افراد مؤثر است و چرخه مذکور، مجدداً تکرار می‌شود.

شرایط مداخله‌گر

هر چه میزان آگاهی جامعه، کمتر و تأثیر هنجارهای غیررسمی محدودکننده بیشتر باشد، ضعف توانمندی دختران و زنان روستایی شدت بیشتری دارد؛ افراد عمدتاً مسأله را نادیده می‌گیرند؛ برای تغییر وضعیت، کمتر تلاش می‌کنند و با پذیرش وضعیت فعلی، در تداوم آن سهیم می‌شوند. البته تغییرات کند و

۱ نگارنده چندین بار در شهر رضوانشهر شاهد رفتار تحقیرآمیز و اهانت‌آمیز برخی شهرنشینان با روستاییان بی‌سوادی بوده است که قادر به استفاده از کارت در خودپردازهای شهر نبودند.

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

تدریجی مشاهده می‌شود. برای مثال، حدود پنج سال قبل سختگیری‌های شدیدی برای تحصیل دختران وجود داشته است. اما در حال حاضر، باورها درباره تحصیل دختران روستایی و کار زنان روستایی (برای مثال در خواروبارفروشی) تا حدودی تغییر یافته است.

نتیجه‌گیری

آثار متقابل و روابط درهم‌تنیده‌ای بین انواع مختلف سرمایه‌ها و ساختار فرصت (نهادهای رسمی و غیررسمی) وجود دارد. برای مثال، با وجود مهیا بودن مدرسه (نهاد رسمی) در زمان کنونی، عدم اعتقاد به ضرورت تحصیل یا ادامه تحصیل دختران یا باور به انحراف دختر در اثر خروج وی از منزل (نهاد غیررسمی) مانع از کسب آموزش می‌شود. گاهی نیز عدم استفاده از این فرصت، به دلیل ضعف مالی (سرمایه مالی) است. همچنین گاهی فرد از تحصیلات دانشگاهی برخوردار است، اما به دلیل نبود فرصت شغلی متناسب با تخصص وی در جامعه (نهاد رسمی) بیکار است یا به دلیل عدم اجازه همسر به خروج از خانه برای اشتغال (نهاد غیررسمی)، در حین تحصیل در دانشگاه، به یادگیری مهارتی (آرایشگری یا خیاطی) می‌پردازد که امکان اشتغال به آن در منزل وجود دارد. گاهی روستایی تعدادی زیادی دام (سرمایه مادی) دارد، اما از دانش کافی (سرمایه انسانی) درباره بهداشت دام؛ اطلاعات لازم (سرمایه انسانی) برای رونق کسب و کار فعلی خود یا اعتماد به نفس کافی (سرمایه روانشناختی)؛ اعتبار (سرمایه مالی) مورد نیاز؛ آگاهی درباره نحوه یا زمان اخذ آن (سرمایه اطلاعاتی)؛ دسترسی به بازار فروش و نهادهای برخوردار نیست. گاهی دختر روستایی از تحصیلات، سلامت جسمانی، مهارت، شغل و توان کسب درآمد (سرمایه انسانی) برخوردار است، از امکانات زندگی (سرمایه مادی) برخوردار است، اما به دلیل عدم ازدواج و تشکیل خانواده و نگاه‌ها و باورهای مردم محلی (نهاد غیررسمی) شرمگین است و به عزت نفس و اعتماد به نفس (سرمایه روانشناختی) وی خدشه وارد شده است. در واقع، توانمندی حاصل مجموعه‌ای از عوامل پیچیده، درهم‌تنیده، و تأثیرگذار بر هم است.

زنان روستایی در انجام کار و کمک به تأمین معاش خانواده (خانه‌داری، زراعت، دامداری، بافندگی و سایر فعالیت‌های اقتصادی) بسیار فعال هستند. اما انجام کار و کسب درآمد، فقط یکی از چندین مؤلفه توانمندی اقتصادی است. دختران و زنان روستایی در سایر جنبه‌ها (مانند سرمایه انسانی، روانشناختی، اطلاعاتی، مالی، مادی و غیره) ضعف‌هایی دارند. برخی از موانع توانمندی نیز در ساختار فرصت (نهادهای رسمی و غیررسمی) ریشه دارد. ضعف نهادهای رسمی، گزینه‌های پیش‌روی افراد - حتی برخوردار از سرمایه‌ها - را محدود می‌کند. وقتی در منطقه‌ای به دلیل ضعف عملکرد نهاد امنیت، دام‌های روستاییان سرقت

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

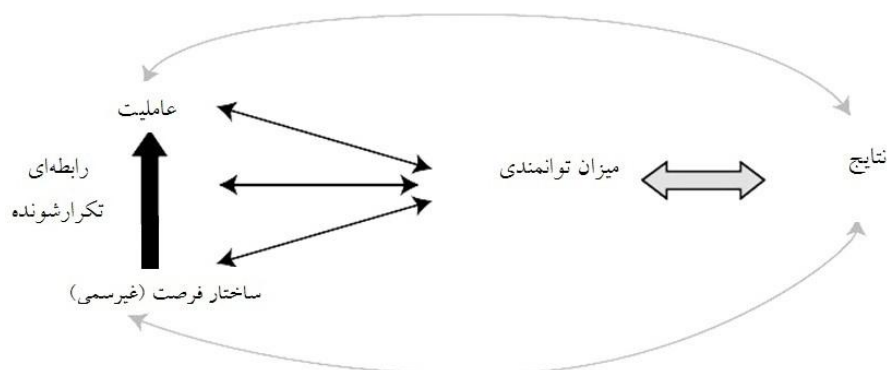
Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

می‌شود، طبیعتاً آنها حتی با وجود برخورداری از سرمایه مالی برای خرید مجدد سرمایه مادی یعنی دام، از آزادی عمل و انتخاب برخوردار نیستند. در نتیجه به گسترش کسب و کار خود در این حوزه نمی‌پردازند و از منافع مادی آن برخوردار نمی‌شوند. نهادهای رسمی به ویژه قوانین مربوط به زنان، سازمان‌های مجری برنامه‌های توانمندسازی، سازمان آموزش و پرورش، رسانه‌ها، و غیره تأثیر مهمی در رشد توانمندی یا ضعف توانمندی افراد جامعه دارند^۱. گاهی نیز نهادهای غیررسمی، مانع رشد توانمندی افراد است، برای مثال، باورهای مردم درباره عدم ضرورت تحصیل یا ادامه تحصیل دختران یا یادگیری مهارتی خاص؛ باور به ازدواج زودهنگام دختران؛ باور به اولویت فرزند پسر بر دختر و در نتیجه تبعیض علیه دختران؛ هنجارهای غیررسمی مانع به ارث بردن اموال توسط زنان و تضييع حقوق زنان در این حوزه؛ باورها و هنجارهای غیررسمی محدودکننده رشد توانمندی زنان بی‌سرپرست و غیره از این قبیل است. تأثیر نهادهای غیررسمی مذکور گاهی آنقدر زیاد است که خود مانعی برای رشد عاملیت (برای مثال، برخورداری از سرمایه انسانی) می‌شود. بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، با توجه به تأثیر فراوان نهادهای غیررسمی در جامعه مورد بررسی، می‌توان مدل تغییر یافته پژوهشگران بانک جهانی را به صورت زیر نشان داد:

شکل (۳): مدل تغییر یافته آلسوپ و همکاران بر پایه یافته‌های پژوهش

(رابطه عاملیت و ساختار فرصت با میزان توانمندی یک فرد یا گروه و رابطه بین توانمندی و نتایج)



۱ دو نهاد رسمی یعنی طرح مراکز یادگیری محلی و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، از موارد مورد بررسی در پژوهش حاضر بود. برای بررسی عمیق سایر نهادهای رسمی، از جمله سازمان آموزش و پرورش، رسانه‌ها و غیره به انجام پژوهش مستقل دیگری نیاز است.

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

یافته‌های برخی پژوهش‌های داخلی درباره کم‌سواد یا بی‌سواد و ازدواج زودهنگام دختران روستایی در برخی نواحی تالش‌نشین (قربانی‌ریک، ۱۳۸۳: ۸۴، ۸۵، ۸۶؛ حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۳۶)، تبعیض میان فرزند دختر و پسر (قربانی‌ریک، ۱۳۸۳: ۸۶)، عدم برخورداری زنان از تحصیلات و مهارت کافی، دسترسی اندک به فرصت‌های اشتغال، و محدودیت‌های فرهنگی (رضایی قادی، ۱۳۸۸: ۱۷۹-۱۹۹)، نبود سرمایه کافی برای راه‌اندازی شغلی، عدم کفایت مبلغ وام دریافتی برای ایجاد اشتغال، شرایط دشوار اخذ وام، عدم اطلاع‌رسانی به همه درباره پرداخت کمک‌های غیرنقدی به زنان سرپرست خانوار، عدم دسترسی به بازارهای فروش برای عرضه تولیدات زنان (قلی‌پور و رحیمیان، ۱۳۸۸: ۵۴ و ۵۵)، دسترسی اندک زنان سرپرست خانوار به آموزش، اشتغال و مهارت‌های حرفه‌ای، عدم موفقیت برنامه‌های حمایتی در رهایی زنان از فقر، عدم برخورداری همه زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) از همه خدمات، عدم کفایت میزان خدمات کمیته امداد امام خمینی (ره) به طوری که افراد تحت پوشش را از شرایط نیازمندی رهایی دهد، فقر قابلیت زنان، ضعف آگاهی اکثر زنان درباره فعالیت‌های اجتماعی و نحوه مشارکت در آنها، عوامل ساختاری که موجب نهادینه شدن نابرابری در فرصت می‌شود (شکوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۴)، ضعف مهارت‌های تولیدی - اقتصادی، عدم دسترسی به بازار فروش محصولات، نبود فرصت‌های شغلی برای زنان در روستا (کلانتری، شعبانعلی فمی و سروش مهر، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۷) با یافته‌های پژوهش حاضر هم‌سو است.

در برخی پژوهش‌های خارجی نیز در بیان موانع توانمندی زنان، از عوامل زیر یاد شده است که مشابه یافته‌های پژوهش حاضر در برخی حوزه‌ها است، از جمله، موانع فرهنگی مانند پدرسالاری (ناز و یور رحمان، ۲۰۱۱: ۵۳؛ کار، ۲۰۱۰: ۱۲۲؛ کبیر، ۲۰۱۱: ۴۹۹؛ ادنیجی - نیل، ۲۰۱۱: ۴۲۱؛ مالیک و کورتنی، ۲۰۱۱: ۳۴؛ اسکولر و راتاج، ۲۰۱۰). عدم ارزش تحصیل زنان، عدم اجازه به تحصیل آنها، میزان بسیار زیاد ترک تحصیل در بین کسانی که موفق به ورود به مدرسه شده‌اند، ترجیح به حضور دختر در خانه برای انجام کارها، عدم امکان حضور در دنیای بیرون از خانه، عدم حق انتخاب در ازدواج، در نظر گرفتن زن به عنوان دارایی مرد و گفتگو درباره بهای عروس (ناز و یور رحمان، ۲۰۱۱: ۵۳، ۵۴، ۶۴)، تبعیض بین جنس‌ها در بسیاری از جنبه‌های زندگی از جمله تحصیل و اولویت به پسران (ناز و یور رحمان، ۲۰۱۱: ۶۴؛ مالیک و کورتنی، ۲۰۱۱: ۳۹)، خشونت خانگی (ناز و یور رحمان، ۲۰۱۱: ۵۴؛ کبیر، ۲۰۱۱: ۵۲۶)، ترجیح به داشتن فرزند پسر (کار، ۲۰۱۰: ۱۰۴)، عدم تمایل والدین به فرستادن دختران به مدرسه به دلیل ترس از لطمه به سلامت دختران، پاکدامنی و آبروی آنها (اسپراندیو، ۲۰۱۱: ۱۲۴)، هنجارهای اجتماعی مانع تحصیل یا ادامه تحصیل زنان، محبوس بودن دختران ازدواج‌نکرده جوان روستایی در خانه و عدم اجازه به آنها برای اشتغال (مالیک و کورتنی، ۲۰۱۱: ۳۶ و

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

۳۹)، هنجارهای غیررسمی مانع به ارث بردن اموال توسط زنان (نارایان، ۲۰۰۲: ۱۶). ادنیجی - نیل نیز در نتایج پژوهش خود بر اولویت پسران در استفاده از فرصت‌های آموزشی و تأثیر فراوان خانواده گسترده بر خانواده‌های هسته‌ای تأکید کرده است (ادنیجی - نیل، ۲۰۱۱: ۴۲۱).

یافته‌های پژوهش حاضر درباره تأثیر محدودکننده نهادهای غیررسمی نیز با یافته‌های برخی بررسی‌های خارجی (اسپراندیو، ۲۰۱۱: ۱۲۱؛ ناز و یور رحمان، ۲۰۱۱: ۵۳؛ کار، ۲۰۱۰: ۱۲۲؛ کبیر، ۲۰۱۱: ۴۹۹؛ ادنیجی - نیل، ۲۰۱۱: ۴۲۱؛ مالیک و کورتی، ۲۰۱۱: ۳۴؛ اسکولر و راتاج، ۲۰۱۰) همسو است که در آنها از ساختار اجتماعی و نهادهای غیررسمی به عنوان موانع توانمندی افراد یاد شده است. به اعتقاد اسپراندیو، منابع به شکل آموزش، خدمات بهداشت و سلامت، و اعتبار خرد می‌تواند به سلامتی، شادی و تولید بیشتر زنان بینجامد و رفاه فرزندان را بهبود دهد. اما نهادهای غیررسمی جامعه، موجب می‌شود که منابع مذکور در تغییر پایگاه زنان در جامعه، سهمی نداشته باشد (اسپراندیو، ۲۰۱۱: ۱۲۱). ناز و یور رحمان نیز در نتایج پژوهش خود در پاکستان، بر تأثیر محدودکننده رسوم سنتی تأکید کرده‌اند. مسئولیت سنگین کار خانگی، نظام سنتی که مانع حضور زنان در اجتماع می‌شود، ساختار اجتماعی تحت سلطه مرد و فقدان سواد در منطقه، فقدان دستیابی زنان به اشتغال، محدودیت تحرک آن‌ها، فقدان گزینه‌هایی برای انتخاب حرفه و استفاده از مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، از موانعی است که به وابستگی آنها می‌انجامد و آنها را از حقوق انسانی اساسی‌شان محروم می‌کند (ناز و یور رحمان، ۲۰۱۱: ۵۱-۷۰). مسون و اسمت (۲۰۰۳) به نقل از آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۲۶) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفتند که توانمندی، بسیار تحت تأثیر فرهنگ جامعه است.

هنوز موانع بسیاری برای رشد توانمندی دختران و زنان روستایی وجود دارد که ریشه همه موانع مذکور، ضعف آگاهی و دانش (در سطح خرد و کلان جامعه) است. منظور از ضعف آگاهی در سطح خرد، دانش کم فرد درباره مهارت‌های چگونه زیستن و بهتر زیستن است. منظور از ضعف آگاهی در سطح کلان، وضعیتی است که موجب تقویت و بقاء نهادهای غیررسمی مانع توسعه (مانند باورهای تقویت‌کننده ضعف توانمندی) و عدم اصلاح نهادهای رسمی ناکارآمد می‌شود.

شکل (۴): نتیجه اصلی پژوهش



بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

حمایت از تداوم نهادهای غیررسمی مانع رشد توانمندی، ضعف مهارت‌های ارتباط مؤثر با همسر و نوجوانان؛ ضعف دانش درباره آثار سوء مصرف مواد مخدر؛ چگونگی راه‌اندازی یا رونق کسب و کار؛ نحوه استفاده از وام، بهداشت محیط کار، و ضعف دانش درباره خدمات برخی سازمان‌ها در حوزه پرداخت تسهیلات، مشاوره شغلی، برگزاری دوره‌های آموزشی و غیره، مصادیقی از ضعف آگاهی است. البته پدیده‌های فوق، صرفاً مختص جامعه مورد بررسی نیست و در بسیاری از نواحی کشور، هنوز هنجارها و پدیده‌های فوق مشهود است. منظور از مسائل اجتماعی نیز بازتولید بی‌سواد یا کم‌سوادی، بازتولید ناآگاهی، فقر، بیکاری، خشونت، جرم، ازدواج ناموفق، خانواده‌ای متزلزل، اعتیاد، فحشاء، لطمه به عزت نفس انسانی، ضعف اعتماد به نفس، خشونت، افسردگی و انبوهی از مسائل دیگر است.

راهکار اصلی پژوهش: دانش پایه توسعه

آگاهی، مهم‌ترین بنیان شکل‌گیری توانمندی است که در ساخت، تقویت و بهبود مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن اهمیت فراوانی دارد. تا زمانی که ذهن از طریق یادگیری و کسب دانش و آگاهی تغییر نیابد، رفتار و عملکرد انسان در بسیاری از حوزه‌ها تغییر نمی‌کند. تغییر تدریجی ذهن بعد از شکل‌گیری یا تغییر نهادها و سازمان‌های اجراکننده تحولات و شرایط محیطی، در کنار هم، به نحوی تکثری، قابلیت‌ها را افزایش می‌دهد و در نهایت، فقر قابلیت‌ی و عدم توانمندی را ریشه‌کن می‌کند.

شکل (۵): راهکار اصلی پژوهش



هدف نهایی پژوهش حاضر، بیان راهکارهایی برای رشد توانمندی افراد است که می‌تواند مورد استفاده دست‌اندرکاران قرار گیرد. شایان ذکر است که هر راهکاری، اجرای سازوکاری متفاوت را ایجاب می‌کند. برخی راهکارها به ساختار فرصت (سطح کلان) و برخی راهکارها به عاملیت (سطح خرد) مربوط است. برای مثال، انجام تغییراتی در نهادهای رسمی (برخی قوانین، سازوکارها، نظام آموزش و پرورش، رسانه) و غیررسمی (برخی هنجارها و باورهای ریشه‌دار مانع رشد توانمندی افراد) ضرورت دارد.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

برای رشد توانمندی افراد جامعه (زنان و مردان) باید با تدابیری به ارتقای دانش و آگاهی آنها درباره چگونه زیستن و بهتر زیستن پرداخت. مهارت‌هایی که لزوماً از طریق تحصیل در مدرسه یا دانشگاه کسب نمی‌شود. در واقع، برای پیشگیری از بروز مسائل اجتماعی و تحقق آینده‌ای بهتر، برگزاری دوره‌های آموزش مهارت‌های زندگی به نحوی فراگیر، با مربیانی کارآزموده، با کیفیت بالا، طولانی مدت، مستمر، و همراه با تمرین عملی ضرورت دارد. همه افراد در هر سن و پایگاه اجتماعی و اقتصادی، نیازمند یادگیری مهارت‌های زندگی هستند. مهارت‌هایی که آن‌ها را قادر به زندگی بهتر می‌کند، طیف وسیعی را شامل می‌شود که برخی از آنها عبارت است از: بهتر زیستن؛ تعامل با دیگران؛ آگاهی به قوانین با کاربرد مستمر در زندگی روزمره؛ توان تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی؛ حل مسئله؛ مدیریت استرس و تنش؛ امتناع از مصرف مواد مخدر؛ آگاهی از سازوکارهای اخذ تسهیلات، آگاهی از نحوه راه‌اندازی یا رونق کسب و کار و غیره. برگزاری دوره‌های فوق در مهدکودک‌ها، پرورشگاه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، پادگان‌ها، صنایع مختلف شغلی، و سازمان‌های مختلف در روستا و شهر ضرورت دارد.

برگزاری دوره‌های آموزشی یادشده، صرفاً زمانی از اثربخشی بیشتری برخوردار است که تعداد شرکت‌کنندگان در هر دوره کم باشد تا فرصت تعامل و گفتگوی مریبی با همه شرکت‌کنندگان و تمرین عملی آن‌ها فراهم باشد. در حال حاضر، مؤسساتی در کشور وجود دارند که در حوزه آموزش مهارت‌های زندگی فعالیت می‌کنند. اما همگان از وجود دوره‌های آموزشی مذکور مطلع نیستند. برخی نیز توانایی پرداخت هزینه‌های شرکت در دوره‌های آموزشی فوق را ندارند. در دانشگاه‌ها نیز دوره‌های مذکور به میزان اندکی برگزار می‌شود. به دلیل ضرورت یادگیری مهارت‌های زندگی بهتر است تدابیری اتخاذ گردد تا همه افراد جامعه، از مهارت‌های فوق برخوردار شوند. پخش تدریجی دوره‌های فوق در رسانه‌ها توسط اساتید مجرب، افزایش جذابیت برنامه‌های فوق و تدوین آنها با تمرکز بر مهمترین نیازهای آموزشی افراد برای رشد توانمندی‌شان - که اطلاع از نیازهای مذکور، با دریافت بازخورد از مخاطبان و آگاهی به مشکلات آنها میسر است - و تداوم پخش برنامه‌های مذکور از رسانه، تألیف و ترجمه کتاب‌های فراوان درباره آن، توزیع کتاب‌های مذکور در سراسر کشور و اطلاع‌رسانی درباره استفاده بیشتر از کتاب‌های فوق، گام‌های مؤثری در این حوزه است.

سایر راهکارهای پژوهش حاضر عبارت است از:

- از آنجایی که جوامع به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و غیره همگون نیستند، اتخاذ راهکارهایی نهادی برای توانمند کردن مردم ضرورت دارد. در واقع، قبل از اجرای هر برنامه‌ای برای رشد توانمندی افراد، بهتر است ویژگی‌ها و شرایط فعلی جامعه مورد نظر بررسی شود. ویژگی‌هایی از جمله میزان سواد، مهارت، ارزش‌ها، هنجارهای غیررسمی جامعه و غیره. طبیعتاً در جایی که میزان بی‌سوادی و کم‌سوادی، فراوان است یا محدودیت‌هایی برای خروج زنان از منزل وجود دارد،

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

راهکارهای توانمندی نیز باید متفاوت باشد. برای موفقیت در این فرایند، نظر روستاییان از ابتدا مورد توجه قرار گیرد و روش‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات درباره اولویت‌های مردم تعبیه شود. برای مثال، روستاییان بهتر می‌دانند که تشکیل چه صندوق یا کلاس آموزشی با چه سازوکاری، مطابق با زندگی و شرایط و ویژگی‌های عرفی آن‌هاست. شیوه‌های عرفی و بومی روستا، بیشتر مورد قبول آن‌ها است تا شیوه‌های تحمیل شده از بیرون و بدون تناسب با ویژگی‌های بومی‌شان. نکته مهم دیگر، تغییر راهکارها در طی زمان است. راهکارها و برنامه‌ها در طول سال‌ها نباید ثابت بماند، بلکه نوع آن‌ها با توجه به تجربه‌های قبل، بازخوردها در نتیجه اجرای آن‌ها، تغییرات ایجادشده در منطقه، و تغییر در نگرش‌های مردم، باید دچار تغییر و تعدیل‌هایی شود. در این فرایند، نهادینه شدن سازوکارهایی برای دریافت منظم بازخورد از مردم ضرورت دارد.

- بهتر است ابتدا از مردم منطقه درباره معنای توانمندی، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، و عوامل مؤثر بر رشد آن پرسش شود. سپس از آن‌ها خواست که مشخص کنند برای ارتقای توانایی‌هایشان، و موفقیت در زندگی به چه چیزهایی نیاز دارند. این کار، علاوه بر کمک به آگاهی از واقعیات، و تدوین راهکارهایی متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای منطقه، موجب می‌گردد که فرصتی برای روستاییان فراهم شود تا خود برای بهبود شرایطشان، به مذاکره و گفتگو با دست‌اندرکاران بپردازند. در این صورت، از بی‌قدرتی آن‌ها در مذاکره با نهادهای مسئول کاسته می‌شود. البته برای انجام این کار، توجه به چند نکته ضرورت دارد. برای مثال، در پرسش‌هایی که درباره معنای توانمندی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن طرح می‌شود، باید از عبارت‌ها و اصطلاح‌های محلی استفاده شود و با بیانی ساده پرسش کرد. در ضمن، زمان طولانی برای آگاهی از موضوعات مذکور در نظر گرفته شود. با سرعت و عجله، امکان آگاهی از این موضوعات فراهم نمی‌شود. در واقع، به انجام پژوهش کیفی عمیق نیاز است. در این صورت شرایطی نیز فراهم می‌گردد تا آن‌ها در مذاکره و بحث شرکت کنند، نه اینکه به دلیل فقر، بی‌سوادی، غلبه یک یا دو نفر در بحث‌ها، موقعیت اجتماعی پرسش‌کننده، و ویژگی‌ها و رفتارهای او، از شرکت در بحث خودداری کنند.

- ضرورت دارد با رشد آگاهی جامعه در خصوص لزوم تحصیل دختران و زنان روستایی و تدوین برنامه‌هایی برای رفع موانع موجود در این حوزه، به ویژه موانع فرهنگی، بستری مناسب برای رشد سواد آن‌ها فراهم شود. جبر اجتماعی و دولتی نیز می‌تواند در این حوزه مؤثر باشد تا هر فردی، حداقل از آموزش‌های اولیه برخوردار شود.

- بر اساس یافته‌های پژوهش مشخص گردید که زنان روستایی میانسال و مسن به یادگیری سواد تمایل داشتند. آن‌ها برخوردار از سواد را معادل با توانایی انجام بسیاری امور، توانایی یافتن دوستان جدید، عدم احتیاج به دیگران، رشد چانه‌زنی، کسب اعتبار و حیثیت، و گسترش آزادی عمل و دامنه انتخاب در انجام برخی امور می‌دانستند. برای رشد سوادآموزی آن‌ها، می‌توان مربیانی توانا برای این کار در نظر گرفت. مربیانی که در فصل‌های پاییز و زمستان، که عمدتاً زمان فراغت زنان روستایی است، به طور خصوصی متناسب با توانایی‌های هر فرد، به نحوی تدریجی به آن‌ها آموزش دهند. این کار بسیار بهتر از برگزاری کلاس‌هایی گروهی و اتخاذ رویه آموزشی یکسان برای همه است. گاهی نیاز است که وقت بیشتری برای برخی از آن‌ها صرف شود. در واقع، توجه به این موضوع که آن‌ها در سنین کهنسالی قرار دارند، بسیار اهمیت دارد. بدیهی است نحوه رفتار با آن‌ها، میزان حوصله و توان یادگیری‌شان متفاوت است و آگاهی مربیان از این موضوع، بسیار مهم است.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

- بسیاری از اشخاص، به ویژه زنان و مردان روستایی، فاقد آگاهی‌های حقوقی هستند. عدم آگاهی آنها از حقوق خود، به بی‌قدرتی، ضعف سرمایه مالی و چه بسا فقر مادی شدید می‌انجامد. در برنامه‌های توانمندسازی، لازم است آموزش‌هایی نیز به افراد درباره مسائل حقوقی، از جمله لزوم ثبت مالکیت اموال زنان داده شود. همچنین در صورت غالب بودن برخی از هنجارهای غیررسمی در منطقه (از قبیل هنجار الزام به اختصاص مالکیت اموال به مردان)، که خود مانع مهمی در تقویض مالکیت بخشی از اموال به زنان محسوب می‌شود، آموزش‌هایی را نیز برای مردان روستایی برگزار کرد تا به تدریج تغییراتی در نگرش آن‌ها ایجاد شود و بستری مناسب برای پذیرش این موضوع در جامعه فراهم گردد.

- با توجه به اینکه هنوز در برخی نواحی روستایی، هنجار غیررسمی عدم امکان حضور زن در نواحی بیرون از روستا (شهر) به دلیل عدم اجازه پدر یا همسر غالب است و زنان روستایی از این نظر با محدودیت‌هایی مواجه هستند، برگزاری کلاس‌های مهارت‌آموزی با کیفیت درخور در نواحی روستایی ضروری است. چه بسا دختران و زنان روستایی که به دلیل غلبه هنجار غیررسمی فوق، در تحقق آرزوهای خود ناکام می‌مانند.

- با توجه به محدودیت‌هایی که زنان روستایی برای اشتغال دارند، از قبیل عدم امکان کار در بین مردان نامحرم، عدم امکان حضور در مکان‌های دور از خانه به دلیل کار فراوان منزل و لزوم نگهداری از فرزندان، عدم اجازه خانواده به انجام هر شغلی و خروج از خانه و غیره، لزوم توجه به ایجاد شغل‌هایی متناسب با ویژگی‌های آن‌ها، عرف جامعه، و زمان فراغت‌شان ضرورت دارد. همچنین لازم است تدابیری برای سهولت دسترسی آنها به نهاده‌ها، و سرمایه اولیه برای راه‌اندازی کار و بازاریابی اندیشیده شود.

- تغییرات نهادی به ویژه تغییر تدریجی برخی نهادهای غیررسمی (از طریق آموزش) در رشد توانمندی افراد بسیار مؤثر است. برای مثال، تغییر باورها و هنجارهایی که به تداوم تبعیض میان دختران و پسران، عدم ادامه تحصیل دختران، تأکید بر ازدواج زود هنگام، اعمال خشونت بر همسر، و عدم تعلق ارث به دختران می‌انجامد.

- اگر سازمان‌های دست‌اندرکار در توانمندسازی، قصد دارند به منظور ارتقای مهارت‌ها، کلاس‌هایی آموزشی برای روستاییان تشکیل دهند، طوری برنامه‌ریزی کنند که زمان تشکیل کلاس‌ها در فصولی - بهار و تابستان - نباشد که روستاییان به لحاظ کاری بسیار پرمشغله هستند. کیفیت، میزان و تداوم کلاس‌ها نیز اهمیت دارد.

- گسترش دسترسی افراد به فناوری اطلاعات و ارتباطات، آموزش نحوه استفاده از آن و قابل فهم بودن اطلاعات برای رشد سرمایه اطلاعاتی روستاییان ضروری است.

- اعطای تسهیلات به زنان شاغل، مانند قالی‌باف‌ها و در صورت تمایل، مشاوره به آنها و حمایت برای تشکیل کارگاه در روستا، یکی از راهکارهایی است که می‌تواند به تداوم کار و ارتقای آن در جامعه روستایی کمک کند.

- در بین زنانی که در بازارهای محلی به فروش محصولات زراعی، دامی یا صنایع دستی خود می‌پردازند، برخی بی‌سربست یا بسیار فقیر (به لحاظ درآمد و سرمایه مادی یعنی زمین، دام، طیور) یا فاقد مهارت هستند. بهتر است با تشکیل تشکلهایی خاص از آن‌ها حمایت شود. برای مثال، سازوکاری برای خرید صنایع دستی آن‌ها از طرف سازمان صنایع دستی و سایر سازمان‌های مسئول تعبیه شود. برخی از آن‌ها از نواحی بسیار دور به بازارهای محلی می‌آیند، اما می‌توان با متشکل کردن آن‌ها و آموزش مهارت‌هایی و فراهم کردن امکان فروش تولیدات حاصل از یادگیری مهارت‌های

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

مذکور، منابع درآمدی مکملی را برای آنها تأمین کرد. اعطای وام به زنان روستایی مذکور نیز برای رونق کسب و کارشان بسیار ضروری است. برخی از آنها بسیار فقیر (به لحاظ درآمدی) هستند، ضامن ندارند، بی‌سوادند و از توان چانه‌زنی برخوردار نیستند. لازم است قبل از پرداخت وام به آنها در قالب تشکلهای گروهی، به خوبی آنها را توجیه کنند تا نگرانی و احتیاط آنها کاهش یابد.

- به نحوی درباره تشکیل گروههای پس‌انداز و وام، اطلاع‌رسانی شود که همه ساکنان روستا مطلع گردند و همه از حق تصمیم‌گیری درباره عضویت یا عدم عضویت در آن برخوردار شوند. استفاده از فونونی مانند تشکیل جلسه‌های گروهی در مسجد -البته با اطلاع‌رسانی قبلی- و بیان اطلاعات با زبان محلی می‌تواند در این حوزه مؤثر باشد. همچنین برای همگان به نحوی کامل، روشن و قابل فهم، درباره سازوکار مذکور و هدف از اجرای آن توضیح داده شود تا ابهامی درباره برنامه مذکور وجود نداشته باشد، و هر گونه شبهه، نگرانی و احتیاط در این حوزه کاهش یابد.

- در مرحله بعد، برای شناسایی فقرای واقعی (به لحاظ درآمدی) از بین متقاضیان، به منظور تشکیل گروههای پس‌انداز و اعطای وام تلاش گردد. افراد بی‌سواد، ناتوان، افرادی که در نواحی حاشیه‌ای، انتهای روستا، و در جاده‌های خاکی بسیار دورتر از سایر مسکن روستا زندگی می‌کنند، نادیده گرفته نشوند.

- برای رفع بیکاری یا فقر نمی‌توان نسخه‌ای واحد برای همه نواحی ایران داد. بهتر است در آغاز راه‌اندازی گروههای پس‌انداز و وام در هر منطقه‌ای، ابتدا به ویژگی‌های اجتماعی و هنجارهای رایج در آنجا و شغل‌های فعلی زنان روستایی توجه شود. نوع شغل نباید از طرف سازمان مذکور تعیین شود. علایق اعضا باید در نظر گرفته شود و مشخص گردد که آیا آنها درصدد رونق کسب و کار موجود (زراعت، دامداری، خیاطی و غیره) هستند یا قصد دارند کسب و کاری جدید را آغاز کنند.

- میزان مبلغ وام طوری باشد که با آن امکان راه‌اندازی یا رونق کسب و کار وجود داشته باشد. مبلغ کم وام، به ندرت برای راه‌اندازی یا رونق کسب و کار کفایت می‌کند. در نتیجه، صرف امور معیشتی و مصرفی می‌شود نه تولیدی. به اعتقاد آرمنداریز دی آگیون و مورداج¹ (۲۰۰۵) یا وام ندهید، یا به اندازه وام بدهید. برای افزایش میزان مبلغ وام، نمی‌توان به فقرا برای پرداخت مبلغ بیشتر در ماه به منظور پس‌انداز در گروه اصرار کرد یا مبلغ اقساط وام را افزایش داد. آنها نمی‌توانند مبلغ بالا برای پس‌انداز و اقساط وام بپردازند. در ضمن، ممکن است به دلیل وقوع برخی حوادث غیرمترقبه (مانند دزدی یا بیماری طیور و دام) با زیان‌هایی مواجه شوند که امکان پرداخت اقساط وام را از محل کسب و کار جدید ناممکن کند. اگر میزان اقساط وام کم باشد، آنها در چنین مواقعی با اضطراب و نگرانی مواجه نمی‌گردند و مشکلی بر مشکلات فعلی‌شان افزوده نمی‌شود. بنابراین، بهتر است سرمایه اولیه صندوق، علاوه بر تأمین از طریق پس‌اندازهای خرد اعضا، از طرق دیگر مانند اخذ تسهیلات بانکی مهیا شود.

- اگر وعده‌ای قبل از اجرای برنامه توانمندسازی به روستاییان داده می‌شود، حتماً به آن عمل شود تا اعتماد روستاییان به این قبیل برنامه‌ها و سازمان‌های مجری آنها کاهش نیابد. کاهش اعتماد آنها در این حوزه‌ها، اجرای طرح‌های بعدی را در زمان‌های آینده با مشکل مواجه می‌کند.

1 Armendáriz de Aghion & Morduch

توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

- توانمندی موضوعی پیچیده، گسترده، و با جنبه‌های متعدد، درهم‌تنیده و تأثیرگذار بر هم است. در پژوهش حاضر، برای بررسی برخی جنبه‌ها تلاش گردید. در پایان، پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران درباره سایر جنبه‌های موضوع، برای مثال در حوزه توانمندی فرهنگی و غیره به بررسی بپردازند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۸۵). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزاد شده: تجربه بانک کشاورزی. در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۲۰۵-۲۳۴)، تهران: مرکز تحقیقات بانک کشاورزی.
- اسدزاده، اسد (۱۳۸۶). بکارگیری رهیافت توانمندسازی و بهسازی در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های غیررسمی؛ نمونه موردی: میر اشرف در اردبیل (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته شهرسازی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای). پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- اسکندری، مجتبی (۱۳۸۱). طراحی و تبیین الگوی توانمندسازی مدیران بررسی موردی مدیران کاروان‌های حج جمهوری اسلامی ایران سازمان حج و زیارت (رساله دکتری در رشته مدیریت دولتی). دانشکده مدیریت دولتی. دانشگاه مدیریت تهران.
- انصاری، منوچهر، رحمانی یوشانلوئی، اسکویی، وحید، حسینی، احد (۱۳۹۰). شناسایی عوامل و طراحی مدل مفهومی توانمندسازی نیروی انسانی در وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات. مدیریت دولتی، ۳(۷)، ۲۳-۴۰.
- آیت، سید سعید و اعظمیان، الهه (۱۳۹۰). تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی. روستا و توسعه، ۳، ۱۵۱-۱۶۴.
- باقری خلیلی، زینب (۱۳۸۴). ارزیابی توانمندی‌های شغلی دانش‌آموختگان برخی رشته‌های فنی و حرفه‌ای شاغل در شرکت ایران خودرو از دیدگاه مدیران واحدهای تولیدی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت آموزشی). دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گیلان (۱۳۸۷). طرح هادی روستای چکوه‌پشت. مهندسین مشاور فرایند آمایش مجذوب.
- بهمی آزاد، بابک (۱۳۸۹). ارزیابی بهره‌وران از طرح‌های توانمندسازی و بهسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی کریم‌آباد، سیک‌سوزی، و شیرآباد شهر زاهدان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- توانگر، فاتح (۱۳۹۰). آثار توانمندسازی بر امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم اجتماعی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جعفری مهناش، معصومه (۱۳۸۵). بررسی تأثیر خدمات کمیته امداد بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته برنامه‌ریزی اجتماعی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جلالی موسوی، آزاده (۱۳۸۶). بررسی اثر برنامه‌های تأمین مالی خرد در کاهش فقر خانوار: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در شهرستان سلماس و طرح پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا در شهرستان سنندج (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جهانیان، رمضان (۱۳۸۷). رویکردها، ابعاد و چارچوب توانمندسازی مدیران آموزشی. پیام مدیریت، ۲۷، ۱۳۱-۱۵۴.
- حاجی محمدخان زنجانی، سولماز (۱۳۹۱). بررسی نقش اقدامات مدیریت دانش بر توانمندسازی روانشناختی منابع انسانی سازمان منطقه آزاد کیش (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته MBA مدیریت توسعه سازمان و منابع انسانی). پردیس کیش دانشگاه تهران.
- حبیبی، سونا (۱۳۸۵). پژوهش تطبیقی در زمینه توسعه اقتصادی-اجتماعی جامعه عشایری تالش، قبل و بعد از اسکان؛ مطالعه موردی روستای طولارود (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- حسینی، مجتبی (۱۳۸۵). بررسی نقش توانمندی کارآفرینانه در کسب مزیت رقابتی پایدار توسط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SMES) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت بازرگانی). دانشگاه تهران.
- خداوردی‌لو، سهیلا و بریمانی، فرامرز (۱۳۸۸). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر و سرپرست خانوار. در اداره کل امور بانوان شهرداری تهران. مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار (۱۴۵-۱۵۹). تهران: اداره کل امور بانوان شهرداری.
- دهبزرگیان، مرضیه (۱۳۹۰). مطالعه و طراحی مدل توانمندسازی اعضای هیات علمی؛ مورد دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته تحقیقات آموزشی). دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- رحیمیان، اشرف (۱۳۸۶). طراحی مدلی جهت توانمندسازی شهروندان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت امور شهری). دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

- رشیدی، داریوش و منصوری، بهمن (۱۳۸۵). خدمات مالی روستایی خرد، گامی اساسی برای فقرزدایی (طرح پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا). در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی. تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.
- رضایی قادی، خدیجه (۱۳۸۸). شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. در اداره کل امور بانوان شهرداری تهران. مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار (۱۷۹-۱۹۹). تهران: اداره کل امور بانوان شهرداری تهران.
- رضایی گیوشاد، طوبی (۱۳۸۷). بررسی نقش صندوق‌های اعتباری خرد در توسعه پایدار روستایی: مطالعه موردی صندوق‌های اعتباری خرد پروژه بین‌المللی ترسیب کربن در حسین‌آباد غناباد سریشنه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته توسعه روستایی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- روحانی، ایمان (۱۳۹۰). تجزیه و تحلیل ابعاد فرهنگ سازمانی و اثر آن بر توانمندسازی کارکنان بر اساس مدل دنیسون؛ مطالعه موردی شرکت بورس کالای ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی). دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- زارعی متین، حسن، محمدی الیاسی، قنبر، صنعتی، زینب (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین آموزش‌های ضمن خدمت و توانمندسازی کارکنان (در سازمان جهاد کشاورزی استان قم). فرهنگ مدیریت، ۱۶، ۸۷-۱۱۶.
- زیاری، سمیه (۱۳۹۰). ساماندهی و توانمندسازی اجتماعی سکونتگاه غیررسمی محله گلشن (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- سالاروندیان، فاطمه (۱۳۸۸). نقش مشاغل خودجوش (خوداشتغالی) در توانمندسازی حاشیه‌نشینان تهران؛ نمونه موردی پاکدشت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا). دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- سجادی، فاضل (۱۳۸۵). نقش بانک کشاورزی در ایجاد اشتغال و کاهش فقر با بهره‌گیری از رویکرد اعتبارات خرد «مطالعه موردی: استان کرمانشاه». در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۳۳۱-۳۴۷). تهران: مرکز تحقیقات بانک کشاورزی.
- سعدی، حشمت‌الله و عرب مازار، عباس (۱۳۸۵). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی، تجربه بانک کشاورزی. در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۲۳۵-۲۶۲). تهران: مرکز تحقیقات بانک کشاورزی.
- شکوری، علی، رفعت‌جاه، مریم، جعفری، معصومه (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها. پژوهش زنان، ۱(۱)، ۱-۲۶.
- صحراپیان، مریم، صلحی، مهناز، حقانی، حمید (۱۳۹۱). تأثیر مدل توانمندسازی بلوم در ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دختر پایه سوم دبیرستان جهوم. پژوهش و سلامت، ۲(۱)، ۹۱-۱۰۰.
- طالب، مهدی و نجفی اصل، زهره (۱۳۸۶). پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س) در روستاهای بوین زهرا، روستا و توسعه، سال دهم، شماره سوم.
- عناستانی، علی‌اکبر، شایان، حمید، خسرویگی، رضا، نقلیو، علی‌اکبر (۱۳۹۰). نقش ویژگی‌های مکانی - فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصاد روستایی (مورد: دهستان ایچرود بالا - شهرستان ایچرود). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱(۴)، ۱-۱۳.
- فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی؛ بررسی موردی: روستای چکوه‌پشت از توابع شهرستان رضوانشهر (رساله دکتری در رشته توسعه اجتماعی روستایی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- قربانی ریک، رضا (۱۳۸۳). تغییرات فرهنگی (از کوچ به اسکان)؛ مطالعه موردی عشایر تالش در طول سه نسل (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- قلی‌پور، آرین و رحیمیان، اشرف (۱۳۸۸). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. رفاه اجتماعی، ۴۰، ۲۹-۶۲.
- کمره‌ای، مریم (۱۳۸۹). بررسی اثرات طرح صندوق اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی؛ مطالعه موردی: روستاهای تمیسیان و کاجان در شهرستان دماوند. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته توسعه روستایی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان رضوانشهر (۱۳۹۱). مصاحبه. کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان رضوانشهر.
- کلانتری، خلیل، شعبانعلی قمی، حسین، سروش مهر، هما (۱۳۸۹). بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی؛ مطالعه موردی شهرستان همدان. توسعه روستایی، ۲(۱)، ۱۰۷-۱۲۴.
- گودرزی، محمدعلی (۱۳۸۸). طراحی مدل توسعه و توانمندسازی مدیران مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی (رساله دکتری در رشته مدیریت آموزشی). دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

- لایقی، سیما (۱۳۹۰). بررسی رابطه میان توانمندسازی کارکنان و بهره‌وری نیروی انسانی در حوزه ستاد وزارت مسکن و شهرسازی (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته مدیریت دولتی). دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- محمدقلی‌نیا، جواد؛ فرید، هادی و فرجی، اسماعیل (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی (مطالعه موردی: استان‌های مازندران و کرمانشاه). در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۳۴۹-۳۸۱). تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.
- مزیدآبادی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۳). بررسی تأثیرات کاربرد فناوری اطلاعات بر توانمندسازی شغلی کارکنان؛ مطالعه‌ای در سازمان تأمین اجتماعی استان قم (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته مدیریت دولتی). پردیس قم دانشگاه تهران.
- معظمی، میترا؛ رحیمی، عباس و طائفه حیدری، اعظم (۱۳۸۵). بررسی پوشش و پایداری برنامه‌های اعتبار خرد (مطالعه موردی- صندوق اعتبار خرد برای زنان روستایی). در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۳۰۹-۳۲۹). تهران: مرکز تحقیقات بانک کشاورزی.
- میرزاوند، فرزانه (۱۳۸۸). شناخت تأثیر مهاجرت مردان بر وضعیت اقتصادی-اجتماعی زنان سرپرست خانوار (خانوار کارگران مهاجر) و توانمندسازی آنان؛ مطالعه موردی روستای سراب غضنفر از توابع شهرستان دلفان. استان لرستان (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته مدیریت توسعه). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- میرزایی، حسین، غفاری، غلامرضا، کریمی، علیرضا (۱۳۸۹). توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن. پژوهش‌های روستایی، ۴، ۱۲۸-۹۹.
- نظیف‌کار، سحر (۱۳۸۹). بررسی نقش مدیران در توانمندسازی کارکنان با تأکید بر تفاوت‌های فردی و شخصیتی آنها (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته مدیریت MBA). دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- نیازی، کیوان (۱۳۸۷). توانمندسازی سکونتگاه غیررسمی جعفرآباد کرمانشاه (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته شهرسازی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای). پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- ADENJII-NEILL, DOLAPO (2011). AFRICAN WOMEN'S EDUCATION AND EMPOWERMENT: CASE STUDIES OF NIGERIAN WOMEN RESIDENT IN EGYPT. *THE INTERNATIONAL JOURNAL OF INTERDISCIPLINARY SOCIAL SCIENCES*, 5(9), 421-432.
- AFRIDI, FARZANA (2010). WOMEN'S EMPOWERMENT AND THE GOAL OF PARITY BETWEEN THE SEXES IN SCHOOLING IN INDIA. *POPULATION STUDIES*, 64(2), 131-145.
- ALI, AHMAD, -UR- REHMAN, MUHAMMAD AHMAD, HAQ, INAM UL, AHMED JAM, FAROOQ, GHAFOR, MUHAMMAD BILAL, AZEEM, MUHAMMAD UMER (2010). PERCEIVED ORGANIZATIONAL SUPPORT AND PSYCHOLOGICAL EMPOWERMENT. *EUROPEAN JOURNAL OF SOCIAL SCIENCES*, 17(2), 186-192.
- ALSOP, RUTH, FROST, BERTELSEN, METTE & HOLLAND, JEREMY (2006). *EMPOWERMENT IN PRACTICE: FROM ANALYSIS TO IMPLEMENTATION*. WORLD BANK.
- ARMENDÁRIZ DE AGHION, BEATRIZ & JONATHAN MORDUCH (2005). *THE ECONOMICS OF MICROFINANCE*. MASSACHUSETTS INSTITUTE OF TECHNOLOGY.
- ASLANBEIGUI, NAHID, OAKES, GUY & UDDIN, NANCY (2010). ASSESSING MICROCREDIT IN BANGLADESH: A CRITIQUE OF THE CONCEPT OF EMPOWERMENT. *REVIEW OF POLITICAL ECONOMY*, 22(2), 181-204.
- BOBO, LAWRENCE AND GILLIAM, FRANKLIN D. (1990). RACE, SOCIOPOLITICAL PARTICIPATION, AND BLACK EMPOWERMENT. *THE AMERICAN POLITICAL SCIENCE REVIEW*, 84(2), 377-393.
- CHARMES, JACQUES AND WIERINGA, SASKIA (2003). MEASURING WOMEN'S EMPOWERMENT: AN ASSESSMENT OF THE GENDER-RELATED DEVELOPMENT INDEX AND THE GENDER EMPOWERMENT MEASURE. *JOURNAL OF HUMAN DEVELOPMENT*, 4(3), 419-435.
- CHOWDHURY, SARAHAT SALMA & CHOWDHURY, SIFAT ADIYA (2011). MICROFINANCE AND WOMEN EMPOWERMENT: A PANEL DATA ANALYSIS USING EVIDENCE FROM RURAL BANGLADESH. *INTERNATIONAL JOURNAL OF ECONOMICS AND FINANCE*, 3(5), 86-96.
- COLE, STROMA (2006). INFORMATION AND EMPOWERMENT: THE KEYS TO ACHIEVING SUSTAINABLE TOURISM. *JOURNAL OF SUSTAINABLE TOURISM*, 14(6), 629-644.
- DE, SUDIPTA AND SARKER, DEBNARAYAN (2011). WOMEN'S EMPOWERMENT THROUGH SELF-HELP GROUPS AND ITS IMPACT ON HEALTH ISSUES: EMPIRICAL EVIDENCE. *JOURNAL OF GLOBAL ANALYSIS*, 2(1), 51-73.
- EL-KOMI, M. (2010). *POVERTY: ALLEVIATION THROUGH MICROFINANCE AND IMPLICATIONS ON EDUCATION* (PH.D. THESIS). UNIVERSITY OF TEXAS.
- ELSON, DIANE (1999). LABOR MARKETS AS GENDERED INSTITUTIONS: EQUALITY, EFFICIENCY AND EMPOWERMENT ISSUES. *WORLD DEVELOPMENT*, 27(3), 611-627.
- GANDZ, JEFFREY & BIRD, FREDERICK G. (1996). THE ETHICS OF EMPOWERMENT. *JOURNAL OF BUSINESS ETHICS*, 15(4), 383-392.
- HASHEMI, SYED M.; RUTH SCHULER, SIDNEY & RILEY, ANN P. (1996). RURAL CREDIT PROGRAMS AND WOMEN'S EMPOWERMENT IN BANGLADESH. *WORLD DEVELOPMENT*, 24(4), 635-653.
- HIDALGO-CELARIE, N.; ALTAMIRANO-CARDENAS, R.; ZAPATA-MARTELO, E. & MARTINEZ-CORONA, B. (2005). ECONOMIC IMPACT OF MICROFINANCE TARGETED TO WOMEN IN THE STATE OF VERACRUZ, MEXICO. *AGROCIENCIA*, 39(3), 351-359.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی ...

- HOLLAND, T. & WANG, L. (2011). AVOIDING THE PERILS AND FULFILLING THE PROMISES OF MICROFINANCE: A CLOSER EXAMINATION OF THE EDUCATIONAL OUTCOMES OF CLIENTS' CHILDREN IN NICARAGUA. *INTERNATIONAL JOURNAL OF EDUCATION DEVELOPMENT*, 31(2), 149-161.
- HOLVOET, N. (2005). THE IMPACT OF MICROFINANCE ON DECISION-MAKING AGENCY: EVIDENCE FROM SOUTH INDIA. *DEVELOPMENT AND CHANGE*, 36(1), 75-102.
- IVES, DAVID J. (1995). STAFF EMPOWERMENT AND LIBRARY IMPROVEMENT THROUGH NETWORKING. *JOURNAL OF EDUCATION FOR LIBRARY AND INFORMATION SCIENCE*, 36(1), 46-51.
- KABEER, NAILA (2011). BETWEEN AFFILIATION AND AUTONOMY: NAVIGATING PATHWAYS OF WOMEN'S EMPOWERMENT AND GENDER JUSTICE IN RURAL BANGLADESH. *DEVELOPMENT AND CHANGE*, 42(2), 499-528.
- KAUR, RUPINDER (2010). INSTITUTIONAL STRUCTURE AND WOMEN EMPOWERMENT. *ASIA-PACIFIC JOURNAL OF RURAL DEVELOPMENT*, XX(2), 103-124.
- KELLETT, NICOLE COFFEY (2009). *EMPOWERING WOMEN: MICROFINANCE, DEVELOPMENT, AND RELATIONS OF INEQUALITY IN THE SOUTH CENTRAL PERUVIAN HIGHLANDS* (PH.D. THESIS). PHILOSOPHY ANTHROPOLOGY, THE UNIVERSITY OF NEW MEXICO.
- KHANDKER, S. R. (2005). MICROFINANCE AND POVERTY: EVIDENCE USING PANEL DATA FROM BANGLADESH. *WORLD BANK ECONOMIC REVIEW*, 19(2), 263-286.
- KIM, J. C.; WATTS, C. H.; HARGREAVES, J. R.; NDHLOVU, L. X.; PHETLA, G.; MORISON, L. A.; BUSZA, J.; PORTER, J. D. H. & PRONYK, P. (2007). UNDERSTANDING THE IMPACT OF A MICROFINANCE-BASED INTERVENTION ON WOMEN'S EMPOWERMENT AND THE REDUCTION OF INTIMATE PARTNER VIOLENCE IN SOUTH AFRICA. *AMERICAN JOURNAL OF PUBLIC HEALTH*, 97(10), 1794-1802.
- KOUASSI, M. (2008). *MICROFINANCE AND HEALTH: A STUDY OF SELECTED COUNTRIES* (PH.D. THESIS). HOWARD UNIVERSITY.
- LHING, N. N.; SHINKAI, S.; HOTTA, K. & NANSEKI, T. (۲۰۱۰). THE EFFECTS OF THE PACT MICROFINANCE PROGRAM IN THE DRY ZONE AREA OF CENTRAL MYANMAR. *JOURNAL OF THE FACULTY OF AGRICULTURE KYUSHU UNIVERSITY*, 55(1), 173-180.
- MALDONADO, J. H. & GONZALEZ-VEGA, C. (2008) IMPACT OF MICROFINANCE ON SCHOOLING: EVIDENCE FROM POOR RURAL HOUSEHOLDS IN BOLIVIA. *WORLD DEVELOPMENT*, 36(11), 2440-2455.
- MALIK, MUHAMMAD, PERVEZ, ZAMURRAD JANJUA, KIFAYAT, ULLAH (2011). IMPACT OF VILLAGE GROUP FINANCIAL SERVICES ON WOMEN EMPOWERMENT AND POVERTY: A CASE STUDY OF THE FIRST MICRO FINANCE BANK GILGIT. *THE DIALOGUE*, VI(4), 382-397.
- MALIK, SAMINA & COURTNEY, KATHY (2011). HIGHER EDUCATION AND WOMEN'S EMPOWERMENT IN PAKISTAN. *GENDER AND EDUCATION*, 23(1), 29-45.
- MAYOUX, LINDA (2001). TACKLING THE DOWN SIDE: SOCIAL CAPITAL, WOMEN,S EMPOWERMENT AND MICROFINANCE IN CAMEROON. *DEVELOPMENT AND CHANGE*, 32, 435-464.
- MCCALMAN, JANYA, MCEWAN, ALEXANDRA, TSEY, KOMLA, BLACKMORE, EUNICE, BAINBRIDGE, ROXANNE (2012). *JOURNAL OF ECONOMIC AND SOCIAL POLICY*, 13(2), ARTICLE 8.
- MEHRA, REKHA (1997). WOMEN, EMPOWERMENT, AND ECONOMIC DEVELOPMENT. *ANNALS OF THE AMERICAN ACADEMY OF POLITICAL AND SOCIAL SCIENCE*, 554, 136-149.
- MOSLEY, P. (2001). MICROFINANCE AND POVERTY IN BOLIVIA. *JOURNAL OF DEVELOPMENT STUDIES*, 37(4), 101-132.
- NARAYAN, DEEPA (2002). *EMPOWERMENT AND POVERTY REDUCTION*. THE WORLD BANK WASHINGTON, DC.
- NAZ, ARAB & -UR-REHMAN, HAFEEZ (2011). SOCIO-ECONOMIC AND POLITICAL OBSTACLES IN WOMEN'S EMPOWERMENT IN PAKHTUN SOCIETY OF DISTRICT DIR (L), KHYBER PKHTUNKHWA, PAKISTAN. *JOURNAL OF SOCIAL SCIENCES*, 5(1), 51-72.
- NIKKHAH, HEDAYAT ALLAH, REDZUAN, MA'ROF, ABU-SAMAH, ASNARULKHADI (2012). DEVELOPMENT OF 'POWER WITHIN' AMONG THE WOMEN: A ROAD TO EMPOWERMENT. *ASIAN SOCIAL SCIENCE*, 8(1), 39-46.
- OLALEYE, YEMISI LYDIA (2010). YOUTH EMPOWERMENT AS A STRATEGY FOR REDUCING CRIME IN THE SOCIETY. *EUROPEAN JOURNAL OF SOCIAL SCIENCES*, 15(2), 105-111.
- OLUYEMO, CATHERINE AJOKI (2012). WOMEN'S EMPOWERMENT AS DETERMINANT FOR MAINTANANCE AND SUSTAINABILITY OF PORTABLE WATER AND SANITATION FACILITIES IN EKITI STATE, NIGERIA. *THE INTERNATIONAL JOURNAL OF INTERDISCIPLINARY SOCIAL SCIENCES*, 6(4), 49-69.
- ONYISHI, IKE E., UGWU, FABIAN O. & OGBONNE, IJEOMA P. (2012). EMPOWERING EMPLOYEES FOR CHANGE-ORIENTED BEHAVIOURS: THE CONTRIBUTION OF PSYCHOLOGICAL EMPOWERMENT TO TAKING CHARGE AT WORK. *EUROPEAN JOURNAL OF SOCIAL SCIENCES*, 27(3), 301-308.
- RAJOURIA, A. (2008). *MICRO-FINANCE AND EMPOWERMENT OF WOMEN: EVIDENCE FROM NEPAL* (PH.D. THESIS). UNIVERSITY OF HAWAII.
- REJI, E. M. (2009). MICROFINANCE AND WOMEN EMPOWERMENT A GENERAL FRAMEWORK FOR ASSESSMENT OF WOMEN EMPOWERMENT. *INDIAN JOURNAL OF SOCIAL WORK*, 70(4), 557-570.
- SADAN, ELISHEVA (1997). *EMPOWERMENT AND COMMUNITY PLANNING: THEORY AND PRACTICE OF PEOPLE-FOCUSED SOCIAL SOLUTIONS*. TEL AVIV: HAKIBBUTZ HAMEUCHAD PUBLISHERS [IN HEBREW].
- SANYAL, P. (2006). CREDIT, CAPITAL AND COLLECTIVE ACTION: MICROFINANCE AND PATHWAYS TO WOMEN'S EMPOWERMENT. CONFERENCE PAPERS - AMERICAN SOCIOLOGICAL ASSOCIATION, 1.
- SCHEYVENS, REGINA (1999). ECOTOURISM AND THE EMPOWERMENT OF LOCAL COMMUNITIES. *TOURISM MANAGEMENT*, 20, 245-249.
- SCHULER, SIDNEY RUTH & ROTTACH, ELISABETH (2010). WOMEN'S EMPOWERMENT ACROSS GENERATIONS IN BANGLADESH. *JOURNAL OF DEVELOPMENT STUDIES*, 46(3), 379-396.
- SEIBERT, SCOTT E., SILVER, SETH R. AND RANDOLPH, W. ALAN (2004). TAKING EMPOWERMENT TO THE NEXT LEVEL: A MULTIPLE-LEVEL MODEL OF EMPOWERMENT, PERFORMANCE, AND SATISFACTION. *THE ACADEMY OF MANAGEMENT JOURNAL*, 47(3), 332-349.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb Director in Charge: Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

- SPERANDIO, JILL (2011). CONTEXT AND THE GENDERED STATUS OF TEACHERS: WOMEN'S EMPOWERMENT THROUGH LEADERSHIP OF NON-FORMAL SCHOOLING IN RURAL BANGLADESH. *GENDER AND EDUCATION*, 23(2), 121-135.
- SPREITZER, GRETCHEN M. (1995). PSYCHOLOGICAL EMPOWERMENT IN THE WORKPLACE: DIMENSIONS, MEASUREMENT, AND VALIDATION. *ACADEMY OF MANAGEMENT JOURNAL*, 38(5), 1442-1465.
- SPREITZER, GRETCHEN M., KIZILOS, MARK A., NASON, STEPHAN W. (1997). A DIMENSIONAL ANALYSIS OF THE RELATIONSHIP BETWEEN PSYCHOLOGICAL EMPOWERMENT AND EFFECTIVENESS, SATISFACTION, AND STRAIN. *JOURNAL OF MANAGEMENT*, 23(5), 679-704.
- STERN, NICHOLAS; DETHIER, JEAN-JACQUES & ROGERS, F. HALSEY (2005). *GROWTH AND EMPOWERMENT MAKING DEVELOPMENT HAPPEN*. THE MIT PRESS.

Journal of Rural Development

Editor in Chief: Prof. Dr. Mehdi Taleb **Director in Charge:** Dr. Gholamreza Jamshidiha

Executive Editor: Hassan Bakhshizadeh **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright Holder: The Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 **Website:** www.jrd.ut.ac.ir **Email:** jrd@ut.ac.ir

